

آینده

د افغانستان د آینده غورځنگ مرکزی اورگان

شماره ۴۶، سال دهم، اسد ۱۳۹۰

AYENDA No.46. August 2011

سر مقاله:

گزارش شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

به

کنفرانس نهضت آینده افغانستان

۲ جولای ۲۰۱۱

رفقای عزیز،

نماینده گان کنفرانس نهضت آینده افغانستان،

از برگزاری کنفرانس قبلی سازمان ما چهار سال میگذرد. در جریان این مدت شورای مرکزی و هیئت اجرائیه آن مطابق پلان مشخص کاری، فعالیت‌های شان را در جهت تحقق فیصله‌های کنفرانس سمت دادند.

تحلیلیها و تصامیم کنفرانس سراسری سازمان ما در ماه جون ۲۰۰۷ روی طرح کلی نیازمندی تشکل نیروها و عناصر چپ و دموکرات در یک سازمان بزرگ متعلق به زحمتکشان افغانستان تدوین یافته بودند. این طرح کلی نی به حیث یک فرآورده ذهنی دسته جمعی، نی در مقام یک شعار جذاب کدایی و سیاست بازانه، بل به حیث یک ضرورت عینی وضعیت سیاسی کشور ارایه گردید. در کنفرانس روی این اصل تأکید صورت گرفت که تمام وضعیت سیاسی از سوی ارتجاع قرون وسطایی اشغال گردیده است و نیروهای مترقی جایی در این وضعیت ندارند. کنفرانس گرایش‌های برخی سازمانها، حلقات و شخصیت‌های مستقل برخاسته از چپ دیروزی را که حاکمیت کنونی را وسیله یی برای استقرار دموکراسی و دفع ارتجاع افراطی میپنداشتند، خوشباورانه و گمراه کننده تلقی کرد و کار برد مفهوم «اتحاد» را نا به جا و پیش از وقت و کار بست عملی آنرا خطای سیاسی به زیان جنبش مترقی و به سود ارتجاع حاکم ثابت ساخت. مرامنامه نهضت ما بنیست‌های وضعیت کنونی را تحلیل کرد و راه برون رفت از آن را از طریق اقدام به یک سیاست مردمی و دموکراتیک، نشان داد. ما حاکمیت جهادی، استقرار بازار آزاد، مذهبی سازی تمام شئون دولت و جامعه، انارشی نظامی - اقتصادی و ناکارایی گماشته گان خارجی را در مقام‌های بالایی دولت، عناصر جدی بازدارنده در حل معضله افغانستان قلمداد کردیم. زنده گی نشان داد که تحلیل واقع‌بینانه ما درست بود و مجموع اقتصاددانان افغانی، «بازار آزاد» را برای افغانستان سودمند نمی پندارند.

ولی با تأسف در بسی از سازمانهای متعلق به بقایای چپ دیروز، مرامنامه نهضت آینده افغانستان را «آرمانگرایی» توصیف کردند و پراتیک سیاسی ما را «چپ روی» و «ماجرایویی» خواندند. سیاست راست روانه آنها یا با اتحاد با سیاه ترین نیروهای جهادی انجامید یا منجر به فاصله گرفتن اعضای صادق و چپ اندیش آنها از سازمانهای شان گردید.

بقیه در صفحه : ۲

کنفرانس نوبتی نهضت آینده افغانستان

گام مهمی به جلو

درسها و تجارب ناشی از رخدادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یازده سال اخیر بیانگر این واقعیت مسلم اند که حرکت‌های سیاسی پراکنده، بی محتوا و عاری از سمت روشن اندیشه ای از یکسو و نبود پیوند ارگانیک فعالیت‌های سیاسی نیروهای مدعی ترقیخواهی با بستر اصلی آن - صف توده های کار از سوی دیگر، سبب گردید تا وخامت وضع به گونه فزاینده ادامه یابد و زحمتکشان افغانستان تداوم ظلمت و بیداد مستولی بر جامعه و زنده گی خویش را همچنان متحمل شوند.

نهضت آینده افغانستان بنا بر برداشت عینی از فضای حاکم بر کشور، در سالهای اخیر مصرا نه تلاش ورزید تا نیروهای مترقی به ویژه تشکلها و شخصیت‌های بازمانده از حزب دیروز را از پیامدهای آسیبگر تک جولانی، بی نظمی، تزلزل فکری و پراکنده گی سیاسی برحذر ساخته به آنان در جهت بیرون رفت از آشفته گی کنونی و دریافت راه های توسل به تفاهم، همسویی و اتحاد یاری رساند که به همین منظور ایجاد «اتحادیه احزاب و سازمانهای چپ، مترقی و میهنی» مبتنی بر یک پلتفورم دارای ماهیت روشن سیاسی را مطرح نمود. این طرح به دلیل برخورد ذهنیگرانه تشکل‌های فرصت جو و معامله گر به نتیجه نرسید.

پلینوم نوامبر ۲۰۱۰ شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان بعد از ارزیابی همه جانبه وضعیت بر آن شد که احیا و نو سازی جنبش چپ و مترقی افغانی در وجود تشکل‌های چپ دیروز که «دیگر هیچ گونه پیوند ارگانیک یا رابطه صادقانه اندیشه ای - سیاسی با هویت چپ و انقلابی ندارند، ضیاع وقت است». پلینوم روند انفکاک جنبش را پایان یافته دانسته بر سوق دهی سمت مبارزه سازمان «به سوی نیروهای بالنده جوان» و تقویت فعالیت سازمان در میان مردم تأکید ورزید. در پلینوم فیصله به عمل آمد تا کنفرانس نوبتی نهضت آینده افغانستان، تعدیلات لازم در موازین اساسنامه ای را به مقصد فراهم آوری زمینه های بهتر کار سازمانی و تقویت هرچه بیشتر فعالیت نهضت در میان توده ها به بررسی گرفته تصامیم لازم در زمینه اتخاذ نماید.

کنفرانس جولای ۲۰۱۱ نهضت آینده افغانستان که نماینده های سازمانهای داخل کشور نیز در کار آن فعالانه سهیم بودند به مثابه یک گام ارزشمند سیاسی، وضعیت کنونی کشور را با دقت تحلیل نموده ضمن تشخیص رؤس اساسی فعالیت آتیة اعضا و فعالان سازمان، تعدیلات ضروری را در اساسنامه نهضت وارد آورد.

بقیه در صفحه : ۱۳

در این شماره: ۱- سر مقاله، ۲- گزارش شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به کنفرانس. ۳- گزارش کمیته کار

اساسنامه نهضت آینده افغانستان. ۴- اعلامیه کنفرانس نهضت آینده افغانستان.

جز به منافع خود به چیز دیگری نمی اندیشند، ضربه زدن به استقلال چپ دموکراتیک بوده، روند تبارز مستقلانه آنرا در وضعیت سیاسی کشور کند ساخته و عمر سیادت ارتجاع را دراز تر میسازد.

نهضت آینده افغانستان حفظ و تحکیم استقلال جنبش دموکراتیک را نی به حیث یک شعار، بل، به حیث یک ناگزیری تاریخی که ناشی از ساختار وضعیت کنونی سیاسی کشور است، مطرح میکند. در شرایط هژمونی ارتجاع، تکیه بر استقلال جنبش چپ جزیی از شرایط به پیروزی رساندن الترناتیف دموکراتیک است.»

همزمان با طرح ما چند سازمان دیگر در ماه اپریل ۲۰۰۸ به تدارک یک گردهمایی به نام «گردهمایی نیروهای ملی، دموکراتیک و . . .» اقدام کردند. شماری از اعضای کمیسیون تدارک آن با برخی از اعضای سازمان ما در تماس شده و به طور شفاهی تقاضا کردند تا نهضت آینده در کار گردهمایی شرکت کند و دیدگاه های خود را در باره وضعیت بیان دارد. از آنجا که گردهمایی نامبرده فاقد یک آجندای روشن و فاقد یک زمینه بحث و مذاکره سازنده برای برون کشیدن چپ از وضعیت کنونی بود، هیئت اجرایی شورای مرکزی پس از استماع گزارش هیئت نماینده گی ما، با تحلیل همه جانبه، ماهیت آنرا سیاست بازانه و تجارتی ارزیابی کرد و شرکت سازمان ما را در آن ناسودمند خواند ولی با استفاده از فرصت طرحی را مبنی بر واحد ساختن هردو تجمع (سمینار وحدت چپ و گردهمایی نیروهای ملی . . .) به آنها پیشنهاد کرد. طرح از سوی بخشی از نهضت فراگیر پذیرفته شد ولی آنان خواستند و یا نتوانستند این طرح را بر کمیسیون تدارک تحمیل نمایند. هیئت اجرایی با جدیت و پشتکار تلاش ورزیدند تا این طرح به کرسی بنشیند و جلو تحقق اهداف سیاست بازانه یی را که آهسته، آهسته در عقب گردهمایی آشکار میگردیدند بگیرد. هیئت اجرایی ما در تحلیلهای روزمره خود فرجام گردهمایی را تقریباً مو به مو به گونه یی پیشبینی کرده بود که بعد واقع شد. مبارزه شدید سیاسی ما در فاصله بسیار کوتاه، اعتبار و جاهت سیاسی سازمان ما را به طور چشمگیری ارتقاء بخشید.

درسه‌ها و پیامدهای گردهمایی را به طور مؤثر میتوان چنین برشمرد:

- ۱- نهضت آینده افغانستان توانست یکبار دیگر سیمای انحرافی را در وجود گرایش جهادی - امریکایی در بین بازمانده های جنبش افشاء سازد و مانع به سر رسیدن اهداف کار گزاران روی صحنه و عقب پرده آن گردد؛ آنها نتوانستند گردهمایی را به یک مجمع جانبدار دولت و طرحهای امریکا تبدیل نمایند.
- ۲- نهضت آینده افغانستان یکبار دیگر به حیث سازمان مدافع صدیق مواضع چپ دموکراتیک و محرک کل جنبش دموکراتیک کشور عرض اندام کرد.
- ۳- جناحهایی در داخل سازمانهای برگزار کننده تبارز کردند که خود را به طور علنی متعلق به خانواده چپ معرفی کردند و دفاع از منافع زحمتکشان را هدف خود جلوه دادند. هیئت اجرایی با استفاده از این فضای جدید به همه رفقا وظیفه داد تا با افراد وابسته به این جناحها در تماس شده، پیوند های جدیدی برقرار نمایند. ما بدینگونه حسن نیت سازمان ما را ←

دیری نگذشت که جو تبلیغاتی دگرگون شد. راه نیافتن به حاکمیت از یک سو و بی باوری اعضا به پراتیک سیاسی و سازمانی از سوی دیگر، برخی حلقات و رهبری این سازمانها را به تجدید نظر در مواضع شان کشاند. صفت «چپ بودن» که زمانی با «ماجرایوبی» و «افراطی گری» همطراز تلقی میگردید دیگر ورد زبانها گردید.

نهضت آینده افغانستان و مسأله کلیدی وحدت چپ افغانی

در چنین موقعیتی از پیشروی بسیار نسبی چپ افغانی بود که نهضت آینده افغانستان برای روشن ساختن هویت آن، در ماه اکتوبر ۲۰۰۷، از طریق انتشار فراخوانی پیشنهاد کرد تا یک سمینار بزرگ زیرعنوان سمینار «وحدت نیرو های چپ افغانی» برگزار گردد و از سازمانها، حلقات و شخصیتهای چپ، دموکراتیک و مترقی دعوت به عمل آورد تا در کار سمینار شرکت کنند.

چندین سازمان، حلقه و ده ها شخصیت مستقل به دعوت ما پاسخ مثبت دادند. در فراخوان تأکید شد:

«تا زمانیکه یک نیروی الترناتیف دموکراتیک و مترقی تبارز نکند، مواضع هژمونیک ارتجاع بر هم نخواهد خورد و بسته به آن، وضع رقتبار زنده گی ملیونها انسان زحمتکش جامعه افغانی و همراه با آن وابسته گی کشور به نیرو های بیگانه تداوم خواهند یافت.

تکوین دولت واقعاً دموکراتیک در افغانستان مستلزم پدیداری یک نیروی سیاسی واحد، یکپارچه، چند ملیتی و دموکراتیک است که ممثل منافع اکثریت مردم باشد. چنین نیرویی باید در بیرون از «شبکه پراگنده قدرت» (شبکه قدرت جهادیان و اپوزیسیون فعال طالبی وابسته به اردوی پاکستان) تدوین یابد. تاریخ وظیفه ایجاد این نیرو را بردوش مبارزان چپ، دموکرات و مترقی انداخته است. هسته پویا و محرک این نیروی سیاسی باید در شکل یک سازمان بزرگ سیاسی عرض اندام کند که با برهم زدن تناسب قواء به سود ترقی و دموکراسی واقعی، مستقیماً به دولت دموکراتیک بینجامد! چپ دموکراتیک وظیفه ساده احراز قدرت سیاسی را در یک مسابقه دموکراتیک سیاسی با ارتجاع حاکم به عهده ندارد، چون کدام قدرت واحد و متمرکز دولتی در افغانستان وجود ندارد که بتوان دست به دست گشتن آنرا با مفهوم «تناوب حاکمیت سیاسی» ارایه کرد.

از دیدگاه نهضت آینده افغانستان، نیروی الترناتیف چپ باید استقلال کامل خود را در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی نسبت به ارتجاع حاکم قرون وسطایی تبارز داده، مواضع جدید مستقل خود را به طور پیگیر تحکیم بخشد. انکشاف مستقل چپ دموکراتیک، همزمان، تجرید ارتجاع و وابسته گان آنرا سریع میسازد. وظیفه تاریخی چپ افغانیست تا پس از تجارب تلخ حاکمیت قرون وسطایی در افغانستان، ماهیت قهقرایی و ستمگرانه آنرا در سطح ملی و بین المللی افشاء نماید و آنرا به سوی تجرید بکشد.

در چنین موقعیتی که باید بر استقلال سیاسی - سازمانی - اندیشه یی چپ تأکید شود و تجرید ارتجاع مطرح گردد، عنوان کردن هرگونه اتحاد با ارتجاع در واقعیت امر شرکت کردن در روند معکوس وظایف چپ افغانی است. پس هرگونه معامله گری با ارتجاع حاکم و کشورهای همسایه که

نسبت به موضع‌گیریهای دموکراتیک و چپ نشان دادیم.

۴- پیرامون جوِ گردهمایی ۱۹ اپریل ملاحظه گردید که موضع‌گیریهای برخی از حلقات و شخصیتها با مواضع سازمان ما نزدیک اند و میشود آنها را به مواضع چپ کشاند.

رفقای عزیز،

با این وظایف سنگین بود که ما تلاش برای راه اندازی «نخستین مجمع جنبش دموکراتیک، مترقی، چپ و صلحخواه افغانستان» را دنبال کردیم. اطلاعیه‌ی بی از سوی هیئت اجرائیه شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به تاریخ اول می سال ۲۰۰۸ منتشر گردید و از طریق آن برنامه راه اندازی مجمع نامبرده توضیح داده شد.

سه ماه پس از صدور این اطلاعیه، در جلسه نوبتی هیئت اجرائیه که به تاریخ ۲۵ جولای دایر گردید، یک تحلیل مقدماتی از وضع و دشواریهای رسیدن به برگزاری مجمع پیش کشیده شد. بخشهایی از این تحلیل را خدمت رفقا ارایه میدارم تا از چگونه گی ارزیابی هیئت اجرائیه سازمان ما از پیچیده گی وضع و دشواریهای کار سیاسی - سازمانی در آن مقطع آگاهی یابند:

«در چند ماه گذشته، مبارزه با گرایشهای راست روانه در بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تلاش در جهت جلب همکاری عناصر چپ برای راه اندازی «مجمع نیروهای چپ...»، انرژی زیاد سازمان ما را به مصرف رساند. این دو عرصه به یقین در شرایط امروزی وضع چپ افغانی، گستره هایی اند که نمیشود از آنها صرف نظر کرد. سازمان ما در جریان هشت سال، احیاء و نوسازی چپ افغانی را وظیفه خود قرار داد. عرصه های نامبرده مشمول این وظیفه میگردند. در جریان کازار مبارزه پیرامون گردهمایی ۱۹ اپریل، سازمان ما هویت روشنتر چپ، سازنده تر و سیاسی تر را نسبت به تمام سازمانهای دیگر کسب کرد. اما این پیروزیها با تمام اهمیتی که دارند، نباید ما را به موضع افغانی بکشاند. باید وضع جنبش و داخل سازمان را با واقعگرایی و روشنی مورد ارزیابی قرار دهیم:

۱- مجموع جنبش دموکراتیک افغانی پس از تلاشهایی برای احیای گونه‌ی بی از «سازمان به اصطلاح سراسری» به بنیست مواجه شده است. دو گرایش اساسی که پس از فروپاشی و به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر شکل گرفتند (گرایش چپ واقعی و گرایش سازشکارانه، محافظه کارانه و ارتجاعی) نتوانستند به حیث گرایشهای مسلط تبارز کنند و از تشکیلات سراسری برخوردار گردند. اکثریت اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان که هنوز خود را وابسته به آرمانهای آن حزب میدانند، در اثر عوامل گوناگون شخصی، قومی یا سیاسی از سطح «علاقه مندی» برون نشده اند و به تشکیلات چپ واقعی، از جمله سازمان ما، نیویسته اند. آیا فرصت آن فرا نرسیده است که دیگر «نسل قدیم حزبیها» را به حیث محراق اساسی فعالیت‌های تشکیلاتی خود حساب نکنیم؟ آیا نباید دیگر جوانان را موضوع بنیادی کار سازمانی و اندیشه بی خود قرار دهیم؟ آیا توقعات ما از اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بیشتر از آنچه نیست که آنان در توان خود دارند؟

۲- یک گرایش مسلط در سازمانهای دیگر وجود دارد مبنی بر این که «باید همرنگ شرایط عینی کشور» شد تا بتوان تغییراتی در آن وارد آورد. این «همرنگ شدن» که چهره آیدیا لویژیک «سیاست همکاری» با ناتوست با چنان استدلال ماهرانه بی ارایه میگردد که به وضع جسمی - روانی بسیاری از رفقای دیروزی ما همخوانی پیدا میکند و باعث جلب آنها میگردد. برای مسخ سیاست اصولی چپ، چنین افاده داده میشود که چپ افغانی، افراطیست و بدون درنظر داشت وضع جامعه، در یک ذهننگری مصروف است.

شاید ما تا هنوز از طریق نشرات خود به افشای این آیدیا لویژی بازبیا به طور دامنه دار و اثر گذار نپرداخته ایم و برنامه عمل خود را به طور روشن توضیح نداده ایم و همچنان تبلیغات ما در باره شکست سیاست ناتو و موضع‌گیریهای اقتراح آمیز و عقبروانه دیگر سازمانها، ضعیف است. آیا در این زمینه ما از این که برجسپ چپ فراطی را از سر خود برداریم، زیاده از حد از آشکار ساختن هویت انقلابی و چپ بنیادی خود عقب نرفته ایم؟

۳- تداوم اوضاع فاجعه بار و طولانی شدن حاکمیت سیاه ترین نیروهای ارتجاعی در کشور - آن هم در توافق با غرب و ناتو - از یکسو و شکل نپذیرفتن یک چشم انداز و یا بدیل سیاسی از سوی دیگر، بار دیگر حالت روان افسرده گی را در مجموع نیروها، عناصر و حرکت‌های دموکراتیک و ضد ارتجاعی مستولی ساخته است. هیچانی که پس از ۱۱ سپتامبر و استقرار ناتو در افغانستان تبارز کرده بود، روز به روز فروکش میکند. این حالت عمومی و انکشاف بسیار کند سازمانی ما در دو سه سال اخیر از دینامیزم سازمان ما بسیار کاسته است. فرصت آن فرا رسیده است تا موضوع عدم انطباق اعتبار سیاسی - اندیشه بی سازمان را با وضع تشکیلاتی آن، مورد ارزیابی قرار دهیم. آیا تمرکز تمام تلاشها برای نزدیک ساختن سازمانها و وحدت چپ افغانی ما را از وظیفه اساسی دیگر ما که پویا ساختن سازمان، جلب و جذب و به کار انداختن تمام اعضای سازمان باشد، دور نساخته است؟ آیا ریزرفهای سازمانی ما عاقل نمانده اند؟

۴- در وضع کنونی که چشم انداز ایجاد یک سازمان بزرگ چپ و مردمی نسبتاً دور جلوه میکند، آیا نباید اعضای سازمان را به فعالین تبدیل نمود و نهضت آینده افغانستان را یک سازمان متشکل از فعالان انقلابی ساخت؟ آیا این وریانت در وضع کنونی واقعبینانه تر و عاقلانه تر نیست؟

به نظر میرسد که در برخی از عرصه های کار سازمانی شماری از رفقای ما تفاوت بنیادی بین وضع موجود را با وضع حزب حاکم دیروزی در نمی یابند. وظایفی را که روی کاغذ در چوکات برنامه های ارگان دایماً فعال هیئت اجرائیه مطرح میسازیم در بسیاری از موارد از واقعیت بیرونی و واقعیت سازمانی ما فاصله دارند. به همین گونه در زمینه تقسیم وظایف و سپردن مسؤولیتهای عمدتاً روی تجربه و دانش سیاسی رفقا تکیه کرده ایم و بعد دیگر آنها که توانمندی جسمانی، مشکلات فردی یا خانواده گی و ←

وضعیت موجود موازنه را در عرصه سیاسی به نفع نیرو های تروریستی، جنگ طلب و واپسگرا که به صورت کل وضع کشور را در مسیر خطرناک و فاجعه بار موجود که منافع و بقای آنها در آن مضمّن است سوق می دهد. ما باور و اراده داریم که منافع کشور و سرنوشت دردناک میلیونها انسان وطن حکم می کند که باید این خلا با تشریک مساعی احزاب، سازمانها و حلقات ایجاد شده از بدنه حزب وطن سابق حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مجمع عالی حزب سر تا سری ملی، و طندوست، دموکراتیک، مترقی و عدالت خواه پر کرده شود.

ما از تمام احزاب، سازمانها، حلقات و شخصیتها - اعضای سابق حزب وطن که به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور، صلح، دموکراسی واقعی، منافع توده های زحمتکش و ستمدیده، ترقی و عدالت اجتماعی برای تأمین و تحکیم وحدت ملی، تأمین حقوق بشر به خصوص رفع خشونت بر علیه زنان وفادار اند می طلبیم از هیچ گونه تلاش درین راه دریغ نوزند و به پروسه تشریک مساعی سیاسی بپیوندند.

هیئت سازمان ما به طور پیگیر در «پروسه تفاهم هامبورگ» شرکت کرد و تلاش کرد تا آن روند در اختیار حلقات ضد چپی که خود را وابسته به «مصلحه ملی» معرفی میدارند قرار نگیرد. فعالیت هیئت ما در آن پروسه به ارتقای اعتبار سازمان ما و نمایش واقعی ظرفیتهای بسیجگرانه فعالان سازمان ما یاری رساند. به تاریخ ۱۸ اپریل ۲۰۰۹ «کمیسون تفاهم و وحدت اعضا و سازمانهای ایجاد شده از بدنه حزب وطن سابق ح. د. خ. ا. برای تدویر مجمع عالی» طی اجلاس خود اعلامیه یی را به نشر رساند که عمدتاً بر تدویر مجمع عالی برای ایجاد یک حزب سراسری مترقی تأکید میکرد. بنا بر طرح و پیشنهاد سازمان ما «فیصله به عمل آمد تا به منظور تسریع پروسه تفاهم و وحدت، کنفرانسی مرکب از ارگانهای رهبری احزاب سازمانها و حلقات ایجاد شده از بدنه حزب وطن سابق ح. د. خ. ا. دایر گردد.» ما با این طرح میخواستیم تا مستقیماً با رهبری سازمانهای وحدتخواه مسایل وحدت را در میان بگذاریم و با آنها یی که صادقانه خواهان ایجاد یک سازمان سراسری اند، پروسه اتحاد و وحدت را آغاز کنیم. البته سازمان کار خود را برای تحقق طرح ابتکاری برگزاری «مجمع نیرو های چپ و دموکراتیک» ادامه داد و تلاش کرد تا آن را جزیی از پروسه تدویر مجمع عالی اساسگذار سازمان واحد بسازد. بدین منظور پنج روز پس از اعلامیه «کمیسون تفاهم و وحدت هامبورگ» ملاحظاتی را منتشر کرده خاطر نشان ساخت:

«نهضت آینده افغانستان یک بار دیگر تأکید می کند که ایجاد یک حزب بزرگ مترقی، دموکراتیک و مردمی یگانه وسیله سیاسی برای دستیابی به مواضع استوار سیاسی جهت تحقق تغییرات مثبت به نفع زحمتکشان افغانستان است. چنین حزبی باید مبارزان با تجربه و صادق جنبش دیروزی و نسل جوان پیشرو را درخود متشکل بسازد و فراتر از تعلقهای دیروزی سازمانی با چشم اندازهای نوین اندیشه یی، سیاسی و سازمانی در مطابقت با شرایط عینی و ذهنی کشور و همراه با مقتضیات پیشرونده دوران ما، عرض وجود نماید. نهضت آینده افغانستان در این راه همه جانبه به تلاش خود ادامه میدهد. هرگونه اندیشه عقبگشت به ساختارهای دیروزی سیاسی به معنای نادیده گرفتن واقعیتهای امروز جامعه افغانی و ←

امکانات عملی (محل سکونت، دسترسی به وسایل تخنیک و غیره) باشد کمتر مورد نظر داشته ایم. آیا فرصت آن فرانسیده است که وظایف عملی را به رفقای بسیپاریم که انرژی لازم را برای پیشبرد امور دارند و رفقای با تجربه را به حیث راهنمایان و «قیم های» شان در نظر بگیریم.»

به منظور بحث همه جانبه روی مسایل نامبرده، به تاریخ ۲۳ و ۲۴ اگست همان سال جلسه حضوری هیئت اجراییه با آجندای زیر در کشور آلمان دایر گردید:

- انکشاف ساختار تشکیلاتی نهضت آینده افغانستان،
 - توسعه فعالیت ارگانهای نشراتی نهضت (نشریه «آینده»، سایت انترنیتی «نهضت آینده افغانستان» و نشریه تئوریک - آموزشی «برهان»)،
 - توسعه فعالیتهای اندیشه یی و آموزشی داخل سازمان،
 - گسترش فعالیتهای بین المللی نهضت،
 - تسریع روند برگزاری «مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و صلحخواه افغانستان»،
 - تقویت روابط با سازمانهای چپ، مترقی و دموکراتیک افغان.
- جلسه اوضاع داخلی کشور و وضعیت جنبش چپ دموکراتیک افغانی را مورد تحلیل همه جانبه قرار داد. جلسه یک باردیگر موضعگیریهای استوار و پیگیر نهضت آینده افغانستان را در قبال عملکرد حاکمیت مافیایی قرون وسطایی کنونی، استراتژی ناتو و روشهای معامله گرانه بخشهای معینی از بازمانده های جنبش چپ، مورد تأیید قرار داده، بر اهمیت تاریخی تقویت کمی و کیفی نهضت آینده افغانستان به حیث تکیه گاه سیاسی دفاع از زحمتکشان افغانستان، تأکید کرد.

جلسه به اتفاق آراء دعوت پلینوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان را با آجندای مشخص مورد تصویب قرار داد.

موازی به تلاش سازمان ما برای برگزاری مجمع نیروهای چپ و دموکراتیک گروهها و سازمانهای دیگری اقدام مشابهی را راه اندازی کردند و از سازمان ما دعوت کردند تا در آن پروسه که ظاهراً به منظور وحدت و همگرایی سازمانهای به اصطلاح «جدا شده از بدنه حزب وطن» شکل گرفته بود، شرکت کند. هیئت اجراییه تصمیم گرفت تا در آن پروسه شرکت کند و خط سیاسی و اندیشه یی خود را بر آن حاکم بسازد. در اثر تلاش هیئت ما نخستین تفاهمنامه آن تجمع به تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۸ در راستای وحدت و اتحاد نیرو های مترقی و صلحخواه صادر گردید. در آن تفاهم نامه تصریح شده بود:

«نماینده گان نیروهای شرکت کننده با حفظ هویت تشکیلاتی و اندیشه یی خویش در مرحله کنونی؛ با توجه به وضعیت اسفبار کشور به منظور همبسته گی و تشریک مساعی به خاطر حضور مؤثر و متحدانه در وضعیت سیاسی کشور قرار آتی توافق نمودند:

«ما را عقیده بر آن است که یکی از عوامل اساسی ادامه وضع جاری در کشور عدم موجودیت یک الترناتیف نیرومند دموکراتیک و مترقی و عدم حضور نیرو های دموکراتیک، ترقی خواه و صلح طلب در وضعیت سیاسی کشور می باشد.

جهانی است. تنها جایگاه مراجعه استراتیژیک همانا آرمانهای آغازین جنبش چپ و دموکراتیک کشور است که با تأسف تحققی نیافتند.

تدویر سمینارها، کنفرانسها و نشستهای تبادل نظر جهت نزدیک ساختن مواضع و دیدگاهها، اقدامهای مؤثری اند که باید وسعت یابند. نهضت آینده افغانستان تدویر مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و صلحخواه را به همین منظور مطرح کرده است. این مجمع محل بحث همه جانبه به منظور تلفیق نظریات سازنده، مترقی و چپ در یک پلتفورم واحد سیاسی - سازمانی خواهد بود که راه را به سوی «مجمع عالی اساسگذار» باز خواهد کرد. باید تمام اقدامها را در سمت «مجمع عالی اساسگذار» متمرکز ساخت و از ابتکارهای سازمانهای ذیدخل در پروسه وحدت رفیقانه استقبال کرد.

نهضت آینده افغانستان تنها استقلال، پراتیک و موضعگیری سیاسی - اندیشه‌ی سازمانها را ملاک داوری قرار میدهد و بر همین بنیاد شرکت آنها را در پروسه وحدت مطرح میکند.

به تاریخ ۲۷ جون ۲۰۰۹، مطابق تصمیم هیئت اجرائیه، پلینوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به منظور بررسی اوضاع کشور، تحلیل وضعیت جنبش چپ افغانی و طرح مسایل مربوط به موضعگیری جنبش مترقی در قبال «انتخابات ریاست جمهوری»، دایر گردید. در این پلینوم افزون بر اعضای شورای مرکزی و فعالان نهضت آینده افغانستان، نماینده گان برخی از سازمانهای مترقی، شخصیتهای مستقل چپ دموکراتیک کشور نیز اشتراک نموده بودند. مجموع شرکت کننده گان بر ضرورت همسویی و وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک کشور در یک سازمان واحد سراسری به حیث یگانه راه، جهت ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک در برابر حاکمیت ارتجاعی - مافیایی تأکید کردند.

پلینوم اعتلای چپ افغانی را به مثابه یک حرکت عظیم اندیشه‌ی سیاسی کلید حل معضلات تاریخی افغانستان تلقی کرد.

باز بودن پلینوم شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به روی سازمانهای دیگر و شخصیتهای مستقل جنبش دموکراتیک گواه بارز برخورد مسؤولانه و سازنده نهضت آینده افغانستان برای وحدت جنبش چپ بود. شرکت کننده گان از این ابتکار تاریخی با گرمی استقبال کردند و علاقه مندی شان را برای تعمیم این تجربه ابراز کردند.

هیئت اجرائیه پیشنهادهای مشخص زیر را برای برونرفت از بنبست وحدت چپ افغانی به پلینوم وسیع و از طریق آن به مجموع جنبش مطرح ساخت:

۱- کنفرانس نماینده گان باصلاحیت رهبریهای سازمانهایی که علاقه مند ایجاد یک سازمان چپ دموکراتیک اند، دایر گردد. در این کنفرانس ضرورت و مسایل ایجاد یک سازمان سراسری مورد بحث و تحلیل قرار گیرند؛

۲- مجمع نیروها، حلقات و افراد چپ، مترقی و دموکرات دعوت گردد. در این مجمع مسایل اندیشه‌ی - ایدئولوژیک، اهداف استراتیژیک و مقطعی، نورمها و ضوابط زنده گی درون سازمانی و دیگر مسایل اساسی مورد بحث قرار گیرند. مجمع خطوط کلی یک پلتفورم اندیشه‌ی - سیاسی را برای سازمان واحد

تدوین کرده، آن را به معرض آرای عمومی جنبش بگذارد.
۳- از پی این دو اقدام، کنگره اساسگذار سازمان واحد سراسری با اتکا به پلتفورم اندیشه‌ی - سیاسی - سازمانی دعوت گردد.
این پیشنهادها که از سرشت واقعی وحدتخواهی سازمان برمیخاستند مورد توجه تمام جنبش قرار گرفتند و تبلیغات دشمنانه علیه سازمان ما را تا جایی خنثی ساختند.

پلینوم به طور مشخص تصویب کرد:

۱- طرح مجمع نیروهای چپ، مترقی، دموکراتیک و صلحخواه به حیث مقطع اساسی برای ایجاد یک سازمان سیاسی سراسری مترقی یک اقدام به موقع و ضروری برای نیروهای مترقی کشور محسوب میگردد. باید کار برگزاری آن سرعت یابد.

۲- نهضت آینده افغانستان باید در جهت همسوسازی نیروهای واقعی چپ و دموکراتیک از تمام ابتکارهای سازنده و اقدامهای مؤثر استفاده کرده، زمینه های عملی ایجاد پیوندهای تازه بین سازمانها، حلقات و گروه های چپ و دموکراتیک کشور را جستجو نموده، بر مواضع روشن اجتماعی، سیاسی و اندیشه‌ی، بدون لغزش و سطحی نگری سیاستبازانه و معامله گریهای ویرانگر با ارتجاع کهن، تکیه نماید.

پلینوم سوم نوامبر ۲۰۰۹ که در شهر مونشن دایر گردید، روند تشکل نیروهای دموکراتیک را در یک سازمان واحد بر بنیاد تجارب حاصله از تلاشهای ما، مورد بررسی قرار داده تصریح کرد:

«از مجموع پراتیک چند ساله ما در عرصه وحدت چپ افغانی چنین نتیجه میگیریم که تشکلهای موجود به دلایل گوناگونی بر حفظ خود بیشتر تکیه میکنند تا بر ادغام و منحل شدن در یک سازمان بزرگ. از سوی دیگر این تشکلهای برنامه ها و اندیشه هایی را دنبال میکنند که برون از یک سکوی واحد و همسان - که زمینه را برای یک پلتفورم مشترک فراهم می سازد - ، اختلافهای جدی در آنها به مشاهده میرسد.

در مجموع وحدت چپ افغانی در برابر دو معضله قرار دارد:

یک، با وجود عضویت در حزب واحد دیروزی، تشکلهای موجود با هم تفاوتهایی دارند که در کوتاه مدت قابل رفع نیستند.

دو، زنده گی فلاکتبار مردم و وضعیت نا به سامان کشور خواهان حضور یابی جنبش مترقی و دموکراتیک در وضعیت سیاسی اند؛

براساس این تحلیل ... به طور مشخص پیشنهاد میشود تا یک نهاد واحد به نام «اتحادیه احزاب و سازمانهای چپ، مترقی و میهنی» به وجود آید.

در این اتحادیه هر سازمان عضو تشکیلات و هویت خود را حفظ خواهد کرد. یک برنامه حد اقل به حیث سند اساسی مرامی، فعالیتهای مشترک، اتحاد عمل، موضعگیری در وضعیت سیاسی، شرکت در پروسه های انتخاباتی و دیگر فعالیتها و اقدامات اتحادیه را از نگاه محتوا و ماهیت سیاسی آنها ستمدهی خواهد کرد. سند مشترک مرامی یا پلتفورم اتحادیه نامبرده ماهیت روشن سیاسی در زمینه دفاع از منافع مردم افغانستان و اقشار زحمتکش و فقیر جامعه داشته، سرشت اجتماعی - سیاسی اتحادیه را انعکاس خواهد داد. پلتفورم چنان باید باشد که از هرگونه وسوسه معامله گرانه با ارتجاع جلوگیری کند. به همینگونه یک ←

از هرگونه تعلق و رابطه‌ی بی‌چنین وحدتی آزاد اعلام میدارد و راه اصلی و اصولی مبارزهٔ دادخواهانه، چپ، مترقی، دموکراتیک، میهنپرستانه را در دفاع از منافع طبقات و اقشار زحمتکش جامعه، در پرتو اندیشه‌های رهاییبخش پیشرو عصر ما، در چوکات نگرشهای علمی جهانی، با استواری و پیگیری ادامه میدهد و از رفقای دورمانده از این امر دعوت به عمل می‌آورد تا یکبار دیگر به انحرافهای اندیشه‌ی بی‌سیاسی درون بازمانده‌های جنبش نی‌بگویند.

وحدتهای میکائیکی و حساب‌گرانه یکی از مسایل بازدارنده در پیشرفت تفاهم و وحدت ارگانیک و قانونمند جنبش در یک ساختار واحد سیاسی است. تبلیغات دروغین و راه انداختن سروصداهای فاتحانه، از حیثیت و اعتبار مجموع وحدت طلبی کاسته است. نهضت آیندهٔ افغانستان بر آن است که تنها در روند پیشرفت مبارزات سیاسی مترقی در دفاع از مردم و در ضدیت با نظام کنونی و حامیان خارجی آن وحدت قانونمند سازمانهای دموکراتیک و مترقی صورت پذیر است نی در حسابهای سیاست بازانه و دماغوژیک. در این زمینه نیز ما از همه رفقای دورمانده از جنبش اصیل چپ دعوت به عمل می‌آوریم تا به مواضع نهضت آیندهٔ افغانستان بپیوندند و از پراتیک پیگیر و شفاف آن در دفاع از خلق زحمتکش افغانستان حمایت نمایند.

روند وحدت جنبش چپ دموکراتیک باید به طور آگاهانه و در بستر مبارزه با روند تصفیة گروه‌ها و افراد نامطلوب به این امر، همراه گردد. نهضت آیندهٔ افغانستان در راه متحد ساختن نیروهای اصیل مردمی و مترقی برای به وجود آوردن یک الترناتیف دموکراتیک برای نظام حاکم کنونی با پیگیری به مبارزهٔ خود ادامه میدهد.

موازی به فعالیت ارگانهای رهبری سازمان، فدراسیونهای نهضت در کشورهای دنمارک، انگلستان، هالند و آلمان جلسات وسیع گفتگو و مباحثه را با عناصر مترقی و نماینده گان محلی سازمانهای دیگر سازمان دادند. در این نشستها رئیس سازمان به نماینده گی از هیئت اجراییه شرکت کرده سیاست سازمان را در رابطه با وحدت و اتحاد نیروهای مترقی و دموکراتیک توضیح داد.

به همین گونه سازمان داخل کشور با شماری از سازمانهایی که اعلامیه بی را جهت اتحاد شان صادر کرده اند همکاری مستمر داشته، فعالانه در پروسهٔ اتحاد نیروهای مترقی شرکت میکند.

پلینوم سوم نوامبر ۲۰۱۰ پیامد روند مبارزهٔ سازمان ما برای وحدت چپ افغانی را چنین جمع‌بندی کرد:

«نتیجهٔ اساسی که باید از جریان تقریباً یازده سال مبارزهٔ سازمان خود بگیریم این واقعیت تلخ است که نوسازی و تشکل چپ دیروزی افغانی کاملاً به بنیست رسیده است و بستن امید به آنهایی که دیگر هیچ گونه پیوند ارگانیک یا رابطهٔ صادقانهٔ اندیشه‌ی بی - سیاسی با هویت چپ و انقلابی ندارند، ضیاع وقت است. . . فرصت آن رسیده است که روند انفکاک جنبش را پایانیافته تلقی کنیم و سمت مبارزه و فعالیت سازمان را به سوی نیروهای بالندهٔ جوان سوق دهیم.»

نهضت آیندهٔ افغانستان و مسألهٔ انتخابات

انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹ فرصت سیاسی بود که سازمان ما از آن به طور گسترده‌ی استفاده کرد. هیئت اجراییه با تحلیل همه جانبه از وضع توانست به طور مستمر موضعگیری چپ واقعی افغانی را در قبال ترغیب انتخابات انعکاس دهد.

اعلامیهٔ نهضت آیندهٔ افغانستان در مورد انتخابات ریاست جمهوری که به تاریخ ۱۰ ماه می ۲۰۰۹ انتشار یافت انعکاس وسیعی در مجموع جنبش یافت و باعث راه اندازی بحثهای داغ در رابطه با موضوع شرکت نیروهای انقلابی و مترقی در صحنه سازیهای سیاسی حاکمیت گردید. اعلامیه تصریح کرد:

«روند عوامفریبانه بی در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری افغانستان راه افتاده است. رسانه‌های خدمتگزار حاکمیت و استراتژی ناتو - امریکا و حاکمان کابل -

سند تشکیلاتی نحوهٔ فعالیت درونی اتحادیه را تعیین خواهد کرد. می شود یک شورای مرکزی واحد متشکل از ۵ تا ۱۰ نماینده از هر سازمان عضو را جهت رهبری اتحادیه پیشنهاد کرد.»

سازمانها و حلقات معامله‌گری که نمیخواستند تشکلی بر محور مواضع نهضت آیندهٔ افغانستان از بقایای چپ دیروزی ایجاد گردد در راه برگزاری مجمع نیروهای چپ سنگ اندازی کردند. سازمان با درک این واقعیت کماکان حضور فعال خود را در پروسهٔ تفاهم هامبورگ نگهداشت و طرح خود را مبنی بر برگزاری اجلاس مسوولان سازمانهای برخاسته از بازمانده‌های چپ دیروزی بر آن تحمیل کرد. گردهمایی نامبرده در شهر هامبورگ به تاریخ ۳۰ - ۳۱ جنوری ۲۰۱۰ دایر گردید. نماینده گی سازمان ما در آن اجلاس از موقف برازنده بی برخوردار بود. تحلیل همه جانبه و مشرح هیئت اجراییه توسط رئیس نهضت آیندهٔ افغانستان به اجلاس ارایه گردید که مورد استقبال قرار گرفت.

در آن اجلاس، سازمان ما طرح ایجاد «اتحادیهٔ احزاب و سازمانهای چپ، مترقی و میهنی» را به سازمانهای دیگر پیشنهاد کرد.

در اجلاس هامبورگ، عمده ترین سازمانهای مشمول پروسهٔ تفاهم و وحدت، دیدگاه‌های شان را چنان بیان داشتند که می شد یک مشی کلی مترقی و دموکراتیک را از آنها استخراج کرد. همین استنتاج کلی مایهٔ امیدواری مجموع عناصر و حلقات مترقی و چپ گردید. نهضت آیندهٔ افغانستان بر بنیاد روحیهٔ مثبت ایجاد شده در آن نشست و بدون پیشداوری، کار عملی نزدیک ساختن سازمانهای مترقی را در یک اتحادیهٔ دموکراتیک و میهنی آغاز کرد. سه سازمان دیگر: حزب ملی افغانستان، حزب فعالین صلح و حزب دموکراتهای آزادیخواه علاقه مند این اتحادیه گردیدند و به دعوت ما پاسخ مثبت دادند. پس از جلسهٔ مشترک رؤسا و هیئتهای رهبری این چهار سازمان، کار تدوین پلتفورم مشترک سیاسی - تشکیلاتی آغاز گردید و کمیسیون مشترک و با صلاحیتی جهت تهیهٔ متن نهایی آن مؤظف گردید. متن نهایی پلتفورم از سوی کمیسیون نامبرده تدوین گردید، ولی با تأسف در آخرین نشست کمیسیون که به خوانش نهایی متن جهت آماده ساختن آن برای امضای رؤسای سازمانهای مشمول وقف گردیده بود، برخلاف تصامیم قبلی و توافقات حاصله، نمایندهٔ حزب ملی در توافق با گروه فعالین صلح موضوع پیروی از اسلام را به حیث اصل اساسی اتحادیه مطرح کرد که باعث تعلیق پروسهٔ مذکور گردید. هیئت ما با استدلال استوار موضوع مطروحه را که با اساسهای بینش پیشرو و مترقی عصر ما و با دستاورد بزرگ تفکر دموکراتیک بشر مبنی بر سیکولاریزم مغایرت کامل دارد، یک عقبگشت تلقی کرد. هیئت ما نیواسلامی را که در برخی بازمانده‌های چپ دیروزی سرزده است و به ظاهر گونه بی روش پرگماتیستی را نشان میدهد، برای جنبش مترقی و دموکراتیک فاجعه بار پنداشته، سازمانها، رفقا و حلقات مترقی را از در غلتیدن در این پرتگاه برحذر داشت.

نمایندهٔ سازمان ما در جلسهٔ ماه اگست ۲۰۱۰ کمیسیون تفاهم و وحدت، موضعگیری هیئت اجراییه را قاطعانه چنین اعلام داشت: «اگر قرار باشد وحدت سازمانهای نیو اسلامیستی، نیو ناسیونالیستی و معامله‌گر خدمتگزار حاکمیت کابل مطمع نظر باشد، نهضت آیندهٔ افغانستان خود را

سازمانهای چپ راستین از جمله نهضت آینده افغانستان که به منافع زحمتکشان افغانستان و مصالح عیالی کشور می اندیشند، با درک ماهیت نظام و نیرنگ ناتو، انتخابات را تحریم کرده، مردم را به **تحریم فعال** دعوت کردند.

برخی دیگر از بازمانده های چپ دیروزی مستقیماً در پیمانهای انتخاباتی با کاندیدان ارتجاع، جهاد و نماینده گان امریکا - ناتو شرکت جستند و گسست خود را از جنبش مترقی و دموکراتیک کشور تسجیل کردند. گرداننده گان این گروه ها عمدتاً به منظور دست یافتن به مقامهای دولتی و کرسیهای حاکمیت کنونی به تعلقهای اندیشه یی و سیاسی دیروز شان پُشت پا زدند. آنان حتی به حیث گدیهای تجملی دموکراسی این بار نتوانستند از بر افتیدن نقاب از چهره ضد دموکراتیک نظام جلوگیری کنند.

در کنار این دو موضعگیری، یکی از سازمانهای متعلق به بخش معینی از بقایای ح. د. خ. ا کاندیدی جهت اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری پیش کشید. محاسبه گرداننده گان دست اول این سازمان هرچی بود ولی پیامدهای اقدام شان درس عبرت عظیمی برای جنبش است.

شرکت کردن در انتخابات تقلبی، دستاویز ساختن بیمورد نامهای رهبران فقید ح. د. خ. ا - حزب وطن، عقبگرد اندیشه یی - سیاسی تا سطح پذیرش اصول و احکام ایدئولوژیهای قرون وسطایی به حیث بنیاد قوانین کشور و پُشت پا زدن به برابری حقوق زن و مرد و ده ها ابلاغیه عقبروانه دیگر سیاسی، نتیجه یی جز شکست نمیتوانست داشت.

درسی که باید از این اقدام گرفت این است که پُشت پا زدن به مواضع اصولی اندیشه یی و سیاسی، دمساز شدن با آهنگ سیاست ارتجاع و ناتو، به گروگان گرفتن ده ها هزار «حزبی» برای کسب یک موقف فردی یا گروهی هیچ گونه سودی برای تقویت روند جنبش دموکراتیک و مترقی ندارد. رفقای که خود را هنوز وابسته به آرمانهای آغازین ح. د. خ. ا میدانند باید از این اقدام درس بزرگ سیاسی بگیرند: **تنها نیرومند ساختن چپ واقعی افغانی راهگشای معضله های کشور است.**

روند انتخابات نشان داد که سیادت سیاسی - نظامی یکسره در اختیار ارتجاع قرون وسطایی و مافیای مواد مخدر است. رویا رویی دو کاندید اول، صرف روی منافع فردی، گروهی و قومی میچرخد.

هیچ گونه اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی در طرحهای آنها وجود ندارد. هر دو متعلق به ارتجاع قرون وسطایی اند و هر دو در برپا داشتن نظام غیر مردمی امروز فعال بوده اند. هر دو، نماینده گان قدرتهای خارجی و هر دو در تقلبهای گسترده دست داشته اند.

با تأسف در صورتی که الترناتیف دموکراتیک هنوز شکل نگرفته است و نیروهای چپ و مترقی پراکنده اند، سیادت ارتجاع کماکان ادامه خواهد یافت. روند انتخابات نشان داد که هنوز ارتجاع کهن ساحه مانور قابل ملاحظه و امکانهای مالی - نظامی وسیع جهت حفظ موقف هژمونیک خود در اختیار دارد و هنوز هم مورد حمایت ناتوست.

نکته بسیار مهمی که روند انتخابات برملا ساخت، فاصله گرفتن اکثریت عظیم مردم از جهادیان حاکم و تکنوکراتهای وابسته به آن است. موضعگیری دقیق و متین نهضت آینده افغانستان در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر ماهیت پیشرو و مردمی آن را ثابت ساخت.

اعلامیه اول نوامبر ۲۰۰۹ سازمان در رابطه با فرجام انتخابات ریاست جمهوری تصریح کرد:

«روند انتخابات تقلبی و غیر دموکراتیک ریاست جمهوری افغانستان به پایان رسید.

یگانه شدن کاندیداتوری برای دور دوم، نمایانگر ماهیت غیردموکراتیک نظام و پوشالی بودن نهادهای سیاسی حقوقی دولتواره کنونی افغانستان است. ←

مذبوحانه تلاش دارند تا کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری را یک حادثه مهم و سرنوشت ساز سیاسی برای کشور معرفی بدارند و آن را پایه یی برای تحکیم دموکراسی قلمداد نمایند.

آشکار است که کاندیدی به کرسی ریاست جمهوری خواهد رسید که از حمایت امریکا - ناتو برخوردار باشد، قوای مسلح کشور را با عمده ترین شبکه های مسلح و مافیایی در کنار خود داشته باشد، تعلق قومی خود را به حیث ضمانت پایداری کشور جلوه دهد، امکانهای مالی امریکا - ناتو، مافیای مواد مخدر، قشر جدید ثروتمندان و وسایل بزرگ تبلیغاتی را در خدمت داشته باشد و از امکانهای دولتی به سود تبلیغات خود استفاده نماید.

از آنجا که نیروهای چپ، دموکراتیک و مترقی نتوانسته اند یک الترناتیف واقعی را برای نظام تدارک ببینند، شرکت کردن در انتخابات جاری ریاست جمهوری، به معنای پذیرفتن ماهیت نظام، هم سویی با ارتجاع قرون وسطایی و خدمت کردن به پروژه ها و برنامه های ناتو - امریکا و متحدان منطقه یی آن است.

شعار «شرکت در انتخابات برای تقویت جنبش دموکراتیک» با وضع عینی امروز جامعه افغانی سازگاری ندارد و اگر خبط سیاسی نباشد، یک عمل کاملاً عوامفریبانه در جهت تقویت ارتجاع حاکم کنونی که حتماً است. جنبش واقعی چپ دموکراتیک و مترقی کشور هیچ کاندیدی برای انتخابات ریاست جمهوری پیشنهاد نکرده است.

سازمانها و افرادی که بخواهند در چنین شرایطی به نماینده گی از جنبش چپ و دموکراتیک در انتخابات شرکت کنند، مسؤولیت عظیم شکست را متقبل خواهند شد و به وجاهت تاریخی جنبش چپ افغانی لطمه خواهند زد.

نهضت آینده افغانستان به این باور است، که جنبش دموکراتیک و مترقی افغانستان باید مشی «تحریم فعال» را در پیش گرفته، با استفاده از امکانهای تبلیغاتی، ماهیت ضد دموکراتیک و ارتجعی، فاسد، ضد ملی، ضد آزادی، ضد استقلال سیاسی و فرهنگ ستیز نظام حاکم بر کشور را افشا نماید. . .

نتایج دور اول انتخابات نام نهاد مذکور بر درستی تحلیل و حقانیت موضعگیری سازمان ما صحه گذاشتند و یک بار دیگر وجاهت و اعتبار سیاسی آن را ثابت ساخت. در اعلامیه پلینوم شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان مورخ ۱۳ اکتوبر ۲۰۰۹ در رابطه با پایان دور اول انتخابات چنین تصریح شد:

«روند افتضاح آمیز و پُرهیاهوی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به پایان خود نزدیک میشود. درامه مضحکی که افغانستان را صحنه تمثیل خود ساخته بود، جهانیان را شگفت زده ساخت چون نقاب از چهره های واقعی به اصطلاح «دموکراتهای افغانی!» مورد حمایت ناتو - امریکا برداشت. . . راه اندازی انتخابات ریاست جمهوری برعکس انتظار مقامهای تصمیم گیرنده ناتو، نی تنها نقطه عطفی در توجیه استراتژی آنها نشد، بل، ماهیت یک نظام تحمیلی ضد دموکراتیک، غیر مردمی، دست نشانده و وابسته به منافع گروهی و فردی را آشکار ساخت.

رویدادی که قرار بود به تحکیم دموکراسی بینجامد، غیر دموکراتیک بودن خود و نظام حاکم را به اثبات رساند!

روند افتضاح آمیز انتخابات ریاست جمهوری، در واقع، شکست استراتژی ناتو در افغانستان است. اتکا بر جهادیان قرون وسطایی و چند تکنوکرات فاسد، پیامد دیگری جز این رسوایی نمیتوانست داشت.

مردم افغانستان انتخابات ریاست جمهوری را یک فرصت مناسب سیاسی تلقی کرده، با **تحریم فعال** آن موضعگیری روشن سیاسی خود را ابراز کردند. خلق افغانستان با این اقدام هشیارانه و سنجیده شده سیاسی استراتژی و عملکرد ناتو را رد کردند، نظام حاکم برکشور و حاکمان فاسد آن را نا مشروع خواندند، حلقات سیاسی حاکم و گروه های حاضر در روند انتخابات را تجرید کردند و در مجموع انتخابات ریاست جمهوری را **به حیث وسیله اعلام مقاومت** در برابر هیئت حاکمه و حامیان جهانی آن به کار گرفتند.

دشوار جامعه افغانی، دنبال می کند. اگر برخی سازمانهای هیاهوگر معامله پیشه و شماری از رهبران کوهه بین منحرف، مرگ سوسیالیزم، پایان کمونیزم و ابطال تیوری مبارزه طبقاتی را با سر افکنده گی سیاسی موعظه میکنند، تا باشد صباحی چند زیر سایه زورمندان جهادی، نفسی به راحت بکشند، واقعیتهای تلخ تمام جوامع بشری عکس این ادعا های بی پایه و بازاری را به اثبات می رسانند. اکثریت اعضای رزمنده حزب دیروز ما از این سازمانکها و گرداننده گان آنها با ابراز انزجار رو گشتانده اند. نشستهای گفتگو و مباحثه هایی که در جریان دو سال اخیر در داخل کشور، انگلستان، هالند، آلمان، دنمارک و دیگر کشورها برگزار گردیدند، با صراحت نشان دادند که بخش عظیم اعضای دیروزی ح. د. خ. ا هنوز به حقانیت آرمانهای آغازین آن حزب باور دارند. این وضعیت رقفا اگر از یک سو از ماهیت انقلابی این رقفا سرچشمه میگیرد، از سوی دیگر نتیجه ده سال مبارزه پیگیر سازمان ما برای احیای چپ واقعی افغانی نیز است. اگر نهضت آینده افغانستان وجود نمیداشت ابعاد انحراف چنان میبودند که به یقین چشم انداز احیای جنبش چپ افغانی را تا دهها سال به عقب می انداختند. نهضت آینده افغانستان به موقع، جلو اضمحلال کامل چپ افغانی را گرفت، به موقع به زدودن افسرده گی سیاسی و روانی رقفايي که در اثر معامله ها و خیانتهای برخی افراد معلوم الحال، ضربه دیده بودند، پرداخت.

سازمان ما کار بزرگ نوسازی جنبش چپ دموکراتیک را در همین فضای کاملاً نا به سامان و نا مساعد پیش برد. کسانی که نیرومندی سازمان را با کمیتهای ناهمگون، متناقض و به نرخ روز محاسبه میکنند، در هنگام آزمونهای سیاسی، اهمیت سیاست گذاری دقیق، بینش استراتژیک و موضعگیری اصولی را با شکستهای شرمسارانه خود تجربه میکنند! هیچ گاهی یک کمیت به خودی خود، راه گشای حل مسایل نیست. ما در وضع نو سازی جنبش حق داشتیم نخست از همه روی کیفیت سیاسی - اندیشه یی سازمان ما تکیه کنیم و تداوم آن را ضامن تداوم مجموع جنبش چپ بینگاریم.

ولی رقفا، وضع عینی جنبش تنها دلیل انکشاف کند سازمان ما نیستند. آنگونه که میبایست ما نیز به کار تشکیلاتی و جلب و جذب فعالانه و پیگیر نپرداختیم. کار تشکیلاتی ما در داخل کشور تا چندی پیش ضعیف و نا محسوس بود. برنامه دقیق جهت انکشاف سازمان نداشتیم و کار جلب و جذب به چند تلیفون و ارسال نشرات خلاصه گردید.

ما عمدتاً به اعضای حزب دیروز متوجه بودیم و نسل جوان و بالنده کشور را که در فضای اختناق ایدئولوژی مذهبی و دیکتاتوری سیاسی - نظامی جهادی - طالبی به زنده گی اجتماعی پیوسته است، فراموش کردیم.

آنگونه که شاهد هستید، زنان در سازمان ما جایگاه شایسته یی را که باید داشته باشند هنوز پیدا نکرده اند. ما نتوانستیم این نقیصه را تاکنون مرفوع سازیم. در داخل کشور جریان دو سال اخیر توانستیم به یاری رقفايي پر وقف نهادهای اولیه سازمان را ایجاد نماییم. در زمینه رفیق مسؤل داخل کشور گزارش خود را به کنفرانس ارایه میکند.

ارگانهای رهبری سازمان به طور منظم مسایل اساسی زنده گی سازمان را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده اند. چهار پلینوم حضوری شورای مرکزی دایر گردیده و هیئت اجرایی ۷۳ بار جلسه کرده است. به همین گونه جلسات فدراسیونها بنا به ضرورت سازمانی - سیاسی دایر گردیده اند. در کنفرانس امروزی باید کاستیهای کار سازمانی - تشکیلاتی را برجسته سازیم و برای رفع آنها رهنمود های لازم را برای سالیهای بعدی استخراج کنیم.

۲- در عرصه نشرات، تبلیغات و فرهنگ،

نشریه آینده، سایت انترنیتی و نشریه برهان نقش بزرگی را در نوسازی اندیشه یی و احیای روحیه پیکار جویی در بازمانده های چپ دیروزی ایفا کردند. غنای محتوایی و سطح عالی پرداخت زبانی، ارایه تحلیلهای عمیق از وضع کشور، شناساندن مسایل جنبش سیاسی و اجتماعی پیشرو جهانی، ویژه گیهای نشرات

رویدادهای اخیر به این امر صحه میگذارند که کرسی در کرسی قبلی خود ابقا می شود و به احتمال قوی برخی کاندیدهای دیگر همانند گذشته در حاکمیت شریک خواهند شد. یکی از عوامل تداوم این وضعیت اسف انگیز نبودن و حضور نداشتن نیروهای سیاسی چپ، دموکراتیک و میهنی در وضعیت سیاسی کشور است. نهضت آینده افغانستان تأکید داشت که نبود الترناتیف دموکراتیک، انتخابات ریاست جمهوری را به یک «ناحاده» تبدیل می کند. وقایع، صحت این حکم را ثابت ساخت.

چپ افغانی باید خود را برای یک دور طولانی اپوزیسیونی با حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی در کشور عیار بسازد. اقدامات عجولانه، تحلیلهای سراسری و سیاست بازانه، دنباله روی عبیدوار از رهبران کهنه فکر دیروزی که دیگر از تاریخ و جغرافیای کشور بیگانه شده اند، دلپستن به تفکر و پراتیک لیبرالیستی و چشمداشت پهبند وضع زنده گی مردم در وجود نظام «جهاد سالاری» تحت سیطره ناتو، عواملی بودند که جنبش چپ دموکراتیک کشور را صدمه زدند.»

در رابطه با نتایج «انتخابات» دوره دوم ولسی جرگه، هیئت اجرایی نهضت آینده افغانستان ملاحظاتی را به تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۰ به نشر رساند و خاطر نشان ساخت که استدلال آنانی که شرکت در انتخابات را به سود جنبش میبنداشتند، با وضعیت مشخص سیاسی کشور همخوانی نداشته و یکسره اشتباه آمیز و ناسازگار با منافع حرکت دادخواهان افغانی بودند.

زنده گی سازمانی

۱- وضع تشکیلاتی سازمان،

رفقای عزیز، از کنفرانس قبلی تاکنون، سازمان ما با وجود افزایش اعضا از نگاه تشکیلاتی چنان رشدی نکرده است که بتواند به نیازهای چپ افغانی پاسخ همه جانبه دهد. عوامل و دلایل کندی این انکشاف ساختاری را باید نخست از همه در وضعیت عینی بازمانده های چپ دیروزی و اوضاع نا به سامان سیاسی - اندیشه یی حاکم در کشور جستجو کرد. نهضت آینده افغانستان سطح مطالبات اندیشه یی - سیاسی و معیارهای متعلق بودن به جنبش انقلابی کشور را چنان مطرح کرده است که با تأسف، بخش معینی از جنبش عام مترقی خود را در آنها می یابد. عقبنشینیها و شکستهای جنبش کارگری - کمونیستی در سطح جهان، جفا، خیانت و انحراف اکثریت رهبران حزب د. خ. ا - حزب وطن، یورش تبلیغاتی - ایدئولوژیک و سیاسی - اقتصادی سرمایه داری جهانی زیر چتر گلوبالیزاسیون، حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی تحت حمایت امریکا - ناتو در کشور و انفاذ قوانین ضد دموکراتیک و قهقراپی مبتنی بر مذهب همه عوامل عینی اند که زمینه های پیوستن مبارزان را به نهضت آینده افغانستان محدود می سازند. از سوی دیگر، تبلیغات خصمانه شماری از افراد و حلقات معامله گر (که زمانی از امتیازات در دستگاه حزب - دولت دیروزی برخوردار بودند) بر علیه سازمان ما، با سو استفاده از یک جو ضد کمونیستی در فضای اندیشه یی - سیاسی اروپا و افغانستان پروسه پیوستن رقفايي راستین را به سازمان، مخدوش ساخته است. البته پس از همه فجایعی که بر سر اعضای سرسپرده ح. د. خ. ا، چپ از سوی برخی رهبران خاین و منحرف آن و چپ از سوی جهادیان - طالبان وحشی، فرو بارید، پیوستن سیل آسای آنان به یک نهاد چپ بنیادی که درفش پیکار انقلابی را علیه ستم و استثمار و ارتجاع سیاه قرون وسطایی دو باره به اهتزاز در آورده است، دور از انتظار بود؛ ولی در کجا نیست، در کدام محفل و گردهمایی نیست که رقفايي راستین دیروزی ما به سوی سازمان ما با دیده احترام ننگرند و اعلام ندارند که دل شان، ذهن و اندیشه شان با نهضت آینده افغانستان است. کدام مبارز راستین و وفادار به آرمانهای آغازین ح. د. خ. ا را سراغ داشته اید که نگفته باشد: «اگر من روزی به کدام سازمان پیوندم، به نهضت آینده افغانستان خواهم پیوست.» این واقعیتهای گویا نشان میدهند که نهضت آینده افغانستان واقعاً در قلب جنبش چپ افغانی قرار دارد و با افتخار راه دشواری را که ح. د. خ. ا نتوانست به سر رساند، با نو اندیشی، با در نظر داشت دگرگونیهای جهان امروز و مطابق شرایط

نام نهاد «ملی» تقویت میشوند به همان پیمان به ماهیت غیر ملی آنها افزوده میشود زیرا به وسایل بزرگتری مبدل میشوند که در اختیار اراده نیروهای غیر ملی (امریکا - ناتو) قرار میگیرند.

اینکه که تقریباً یک دهه از سیادت نظامی و سیاسی امریکا - ناتو بر افغانستان میگردد، حاکمیت کابل از نگاه اقتصادی، به اراده خود، به فرمایش نهادهای مالی سرمایه جهانی چون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و مشوره مستقیم کار شناسان غربی تعبیه شده در ارکان حاکمیت، راه انکشاف سرمایه داری لیبرال افسارگسیخته و حراج داراییهای دولتی و عامه را پیش گرفت و این راه را بدون در نظر داشت ویژه گیهای اقتصادی کشور، درج قانون اساسی کشور کرد. سیاست اقتصادی حاکمیت در جهت تشویق سرمایه داری با واگذاری امتیازهای کلان (بی نظیر در دیگر کشورها) به سرمایه خارجی سیر کرد.

گسترش دستگاه اداری حاکمیت از یک سو و سرازیر شدن ملیاردها دالر به کشور، پیوند یابی بخشی از مقامات اداره امور با نماینده گان، مقامات و دستگاه های اداری - نظامی ناتو - امریکا و کشورهای همسایه، زمینه یی را فراهم ساختند تا یک قشر متمول در درون بیروکرسی افغانستان ظهور کند. این قشر نو ظهور به طور نسبی از ثروت، قدرت و رفاه برخوردار است و روز تا روز پر شمارتر و نیرومند میگردد.

ویژه گیهای اقتصادی این قشر را میتوان چنین برشمرد:

- یک قشر غیر مؤلد است. یعنی بیرون از پروسه تولید ارزش قرار دارد؛
- ار این دیدگاه یک قشر انگل است.
- برخی از اعضای این قشر به داد و ستد یا تجارت نیز مشغول اند، هم تجارت رسمی و هم غیر رسمی یا قاچاق؛
- گروهی هم از طریق حصول، خرید یا اعمار جایدادهای غیر منقول، درآمدهای بزرگی را از طریق کرایه یا اجاره به خود اختصاص داده اند.

در بیرون از دایره دولتی، اقشار سنتی بورژوازی عمل میکنند:

- قشر تاجران «ملی»،
- قشر سرمایه گذاران کوچک صنعتی،
- قشر کمپرادوران که انحصار تجارت محصولات شرکتهای خارجی را در کشور به دست دارند.

بورژوازی افغانستان عمدتاً از همین اقشار و تکنوکراتهای بلندمقام اداری و نظامی ترکیب یافته است. مجموع قوانین کشور در عرصه اقتصادی در راستای حفظ و گسترش منافع این اقشار تدوین گردیده اند.

اداره دولتی افغانستان به سود اقشاری میچرخد که میتوان مجموع آنها را بورژوازی افغانی نام گذاشت. روند جهانی شدن سرمایه داری از یک سو و سیادت امریکا - ناتو بر سرنوشت کشور از سوی دیگر، منطق حضور بورژوازی افغانی را در حاکمیت توضیح میدهند.

پس حاکمیت کنونی، یک حاکمیت طبقاتیست، نی فراطبقاتی. این حاکمیت در خدمت اقشار معین جامعه قرار دارد، نی در خدمت تمام طبقات و لایه های جامعه افغانی!

میتوان خصوصیات نظام کنونی افغانستان را چنین برشمرد:

- در یک سوی جامعه ثروتهای بزرگ همراه با قدرت سیاسی، رفاه و تسلط اقتصادی متمرکز گردیده اند و در سوی دیگر یک اکثریت نادار فاقد قدرت.
- طبقه بورژوازی نوحاسته افغانی با عنصر سیاسی - نظامی بورژوازی جهانی، یعنی امپریالیزم امریکا - ناتو پیوند دارد، بی آنکه زمینه افغانی اقتصادی آن را کدام طبقه کارگر افغانی، در چوکات مناسبات سرمایه داری، تضمین کند. بخش بزرگ بورژوازی کنونی افغانی در اقتصاد ملی کشور نقش فعال ندارد و در کلیت به حیث ابراز سیاسی -

سازمان ما بودند. چندی «آینده» در کابل تکثیر گردیده در بین علاقه مندان توزیع میگردد.

اما با وجود سطح بلند و گیرای نشرات ما، هنوز نتوانسته ایم یک طیف هزار نفری خواننده گان دایمی را با نشرات خود گره بزیم.

تبلیغ و اعلان در مورد نشرات ما بسیار ناچیز است. کارزار جلب مشترکین کمتر وجود داشته است. نشرات ما به وقت معین شان آماده نمی شوند. تعداد همکاران نشرات ما انگشت شمار است. هنوز نتوانسته ایم یک دایره وسیع همکاران قلمی دایمی را در اطراف نشرات خود ایجاد نماییم. چندی پیش فیس بوک سازمان فعال گردیده است که باید وسیعاً از آن استفاده صورت گیرد.

۳- در عرصه بین المللی،

در عرصه بین المللی، دستاوردهای قابل توجهی داشته ایم. ملاقات رسمی با رهبری حزب کمونیست ایتالیا «ریفونداسیون»، شرکت در کنگره حزب چپ اروپا و حضور یابی در تربیون کنگره مذکور که به طور استثنایی به یک سازمان غیر اروپایی ممکن شد، ایجاد روابط نزدیک با فراکسیون حزب چپ اروپا، شرکت در سی و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه، ملاقاتهای عدیده با نماینده گان احزاب کمونیستی و کارگری به شمول حزب کمونیست چین، ملاقات با رئیس حزب کمونیست آلمان که افتخار میزبانی او را داشتیم و تأمین روابط با این حزب، ملاقات مفصل با رهبری حزب توده ایران جهت شناساندن مواضع اندیشه یی و سیاسی سازمان ما، تماس با حزب سوسیالیست هالند و سازمان سوسیالیستهای انترناسیونالیست هالند، شرکت در جشن عظیم هیومانیته و همکاری با نشرات احزاب کمونیست آلمان، فرانسه و ایتالیا، شرکت در جشن حزب کمونیست آلمان و ده ها مورد دیگر گواه پویایی روابط بین المللی سازمان ما میند.

ما باید این روابط را گسترش دهیم و پیوندهای سازمان ما را با خانواده احزاب پیشرو جهان به ویژه با سازمانهای مترقی منطقه محکم تر و استوارتر سازیم. به این منظور کمیسیون روابط بین المللی باید گسترده تر و فعال تر گردد. چنین بود عمده ترین بخشهای فعالیت سازمان ما در فاصله بین دو کنفرانس. حال به بررسی وضع کشور و جهان پرداخته تا در پیوند با آنها بتوانیم وظایف بعدی سازمان را تعیین بداریم.

وضع کشور

۱) ماهیت طبقاتی حاکمیت کنونی افغانستان،

ماهیت به ظاهر غیر طبقاتی حاکمیت کنونی که از سوی وسایل تبلیغاتی داخلی و دستگاه های ایدئولوژیک ناتو تبلیغ میگردد، زمینه بیست که بر اساس آن حاکمیت کنونی در اذهان عامه داخلی و جهانی به حیث یک حاکمیت خدمتگزار تمام مردم و حامی منافع ملی کشور، معرفی گردیده است و حمایت از آن، حمایت از مردم افغانستان تبلیغ شده است. این ماهیت به ظاهر غیر طبقاتی، بخش عظیم چپ دیروزی کشور را فریفته است که بیشتر به مبلغان اقتصاد استوار بر «بازار آزاد» مبدل گردیده اند. اما تمام خصوصیات ساختاری نظام کنونی گواهی میدهند که چنین نیست:

نخستین ویژه گی نظام سیاسی افغانستان، وابسته گی سرشتی آن به بیرون است. از پی کنفرانس بین دستگاه اداری که به اراده امریکا - ناتو در کابل به وجود آمد در واقعیت امر یک «بزار افغانی» برای عملی کردن سیاستها و خواستههای غیر افغانی، عمدتاً «امریکایی - ناتویی» بود. گسترش نسبی دستگاه اداری حاکمیت با افزایش شمار کارگزاران و کارمندان افغانی آن صرف یک دگرگونی کمی است که ربطی با دگرگونی ماهیت آن ندارد. این دگرگونی کمی، نی تنها باعث استقلال نظام نمیگردد، بل، به طور تناقض آمیزی عامل تقویت وسیله مداخله خارجی می گردد. یعنی به هر پیمان یی که اداره کنونی تقویت و گسترش یابد، به همان پیمان زمینه مداخله امریکا - ناتو در کشور و منطقه از طریق ابزارهای افغانی، تقویت و گسترش خواهد یافت. یکی از تضادهایی که بحران سیاسی را در کشور مزمن ساخته است، در همین امر نهفته است: به هر پیمان یی که نهادهای

زیر عنوان «بازار آزاد»، ایجاد سهولت‌های بیسابقه برای سرمایه‌گذاران خارجی، تخصیص دادن میلیاردها دلار به عنوان بازسازی افغانستان، فعال ساختن بیش از چهار هزار و پنجاه و پنج انجمن به حیث میکانیزم رفع اصطکاک‌های اجتماعی - اقتصادی، تمویل مستقیم قوای مسلح کشور و دیگر برنامه‌ها و اقدام‌های همدفند، نتوانستند حداقل پایه‌های یک اقتصاد سالم ملی را در کشور پیریزی کنند.

نابرابری‌های طبقاتی و فاصله میان فقر و ثروت وسیعتر و ژرفتر میشود؛ گرانی، بی‌سرنواهی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی به گونه‌ی روز افزون دامنگیر بخش‌های بیشتر مردم و خانواده‌های زحمتکش می‌گردد.

وضع اقتصادی مردم، به ویژه لایه‌های پایینی جامعه رو به وخامت گذاشته از جمله ۱۲ میلیون جمعیت مستعد به کار بیشتر از ۴۰ درصد آن بیکار اند.

بازسازی کشور از لحاظ اقتصادی از محدوده‌ی شعارهای تبلیغاتی فراتر نرفته است، مؤسسات و تصدی‌های دولتی که به مردم تعلق دارند، به حراج گذاشته شده‌اند، میلیون‌ها جریب زمین دولتی و ملکیت‌های عامه به وسیله‌ی زورمندان و مافیای زمین غضب گردیده، دهقانان بیدفاع و مالداران مظلوم از بالای زمینها و علفچرهای شان رانده میشوند، قشر میانه حال دهقانان اکثراً به کارگران زراعتی و موسومی و یا کارگران روزمزد تبدیل می‌گردند.

سرمایه‌گذاری در بخش زراعت کمتر از یک درصد را تشکیل می‌دهد، این در حالیست، که ۸۰ درصد جمعیت کشور برای معیشت شان به شدت به زراعت متکی‌اند؛ حدود پنج میلیون انسان کشور به قلیت مواد غذایی رو به رو‌اند؛ بیشتر از یک میلیون طفل خورد سال و بیشتر از نیم میلیون زن به دلیل سوء تغذیه با خطر مرگ مواجه‌اند.

پیوندهای قومی، قبیله‌یی، زبانی و سمتی به معیارهای جدی تعلق‌های سیاسی مبدل گشته‌اند. این رویکرد به روابط شجره‌یی، گواه دیگری از تناقض‌های بنیادی در افغانستان است که خود مانع انکشاف متوازن اقتصادی - اجتماعی، پیشرفت، و ترقی می‌گردد. در حالی که معیار عملکرد مراکز قدرت، وابسته گیهای تباری باشد چگونه میتوان از تعمیق دموکراسی که بر اصل مفهوم «شهروند» استوار است، صحبت کرد، در حالی که تعلق زبانی و قومی معیار با اعتبار باشد؟! آخرین مطالعات مراکز پژوهشی بین‌المللی اعلام داشتند که افغانستان جهنمی

ترین کشور برای زنان است.

چشم‌دیدهای رفقای که به کشور سفر کرده‌اند و گزارش‌های رفقای داخل کشور تصویری از جامعه‌ی افغانی به دست می‌دهند که تاریخ سیاه‌ترین دوره‌های زندگی بشر را به یاد می‌آورد.

۲) وضع سیاسی - نظامی،

رفقای عزیز،

در این اواخر شرکت دادن طالبان در حاکمیت کشور با جدیت مطرح است. حاکمیت پاکستان توانست حفظ منافع استراتژیک آن کشور را در افغانستان به حیث یکی از مطالبات غیر قابل‌عدول، بر سیاست کاخ سفید تحمیل نماید و در عوض، به عملیات نظامی مستقیم قوای امریکایی در خاک پاکستان، به شکلی از اشکال، گردن نهد.

کمک ۲۰ میلیارد دلار امریکایی در جریان پنج سال گذشته به پاکستان و گذشت در برابر سیاست دو چهره‌یی اسلام‌آباد، در چوکات طرحی روی می‌دهند که زمینه را برای اجرای سیاست‌های واشنگتن فراهم می‌سازد. امریکا و هم‌پیمانان آن در ناتو بالاخره پی برده‌اند که حضور گسترده‌ی نظامی آنها در افغانستان به سود منافع بلند مدت آنها در منطقه نیست. ناتو در راستاهای زیر عمل میکند:

- ۱- در نظر دارد بخش بزرگ قوای خود را از کشور برون کند؛
- ۲- پایگاه‌های نظامی پایدار را در افغانستان جهت کنترل اوضاع سیاسی - نظامی منطقه ایجاد نماید. این پایگاه‌ها در پیوند با شبکه‌های «سی‌ای‌ای» که در جریان ده سال گذشته در افغانستان و منطقه

اداری ناتو عمل میکند تا به حیث یک نیروی اقتصادی انکشاف دهنده!

- بورژوازی کنونی افغانی با ایدئولوژی ارتجاعی و قرون وسطایی عجین شده است؛ لیبرالیسم اقتصادی آن در لباس ایدئولوژی‌های غیر لیبرال و محافظه کارانه عرضه می‌شود.

از مجموع این خصوصیات چنین میتوان نتیجه گرفت:

بورژوازی افغانی و در پیوند با آن، حاکمیت کنونی افغانستان، به طور اجباری، در یک روند سیاسی - نظامی و برخلاف منافع مردم و کشور در تاریخ معاصر افغانی ظهور کرده‌اند. آنها ظرفیت و ماهیت تأمین انکشاف اقتصادی، تضمین آزادی‌های اجتماعی، ایجاد نهادهای ملی و دموکراتیک و دفاع از منافع علیای کشور را ندارند.

آینده‌ی کشور هنوز یکسره و برای همیشه در اختیار امریکا - ناتو قرار نگرفته است و با وجود پیچیده گی ظاهری اوضاع، چشم انداز دیگری در برابر مردم افغانستان باز است. هنوز سرمایه داری به حیث شیوه‌ی تولید قابل حساب در اقتصاد ملی کشور پا نگرفته است. بورژوازی افغانی فاقد تکیه گاه اقتصادی داخلی است و در صورت برهم خوردن مناسبات بین‌المللی و معاملات سیاسی - استراتژیک منطقوی، میشود آن را از صحنه بیرون راند.

پس برعکس آنچه از سوی مبلغان «بازار آزاد» و کارگزاران صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی موعظه می‌گردد، داخل شدن اجباری افغانستان (به حیث یکی از دور افتاده ترین دهکده‌های پیرامونی) به روند جهانی شدن سرمایه داری، نی تنها باعث انکشاف کشور و رفاه مردم افغانستان نخواهد گردید، بل، افزون بر چپاول ثروتها و ذخایر طبیعی کشور، زمینه‌ی تداوم فقر و عقبمانی را نیز فراهم خواهد ساخت.

همگام شدن با جهانی شدن سرمایه داری و آن هم در شرایطی که کشور زیر سلطه‌ی سیاسی - نظامی ناتو قرار داشته باشد، فاجعه‌ی مزمینی برای آینده‌ی کشور خواهد بود.

رفقا،

تحلیل وضعیت سیاسی - نظامی کشور نشان می‌دهد که مبارزات طبقاتی در شرایط کنونی در افغانستان عمدتاً در عرصه‌ی سیاسی تراکم کرده‌اند. پس اتخاذ تدابیر و اقدامات بنیادی سیاسی برای ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک و مردمی در برابر نظام کنونی ماهیت کاملاً طبقاتی دارند. تشکل چنین الترناتیفی:

- ۱- زمینه را برای گسست واقعی از روند جهانی سرمایه داری آماده می‌کند؛
- ۲- وابسته گی حاکمیت را مرفوع ساخته، شرایط استقرار دوباره‌ی استقلال سیاسی کشور را فراهم می‌سازد؛
- ۳- منافع توده‌های مردم را به حیث منافع کلی کشور مطرح کرده، دست ا فشار چپاولگر و انگل منش کنونی را از سکان سرنوشت کشور کوتاه می‌سازد؛
- ۴- انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور را بر اساس شاخص‌های انسانی انکشاف، مطرح کرده، بهشدت زنده گی انسان جامعه‌ی افغانی را در صدر مسایل قرار می‌دهد، نی سودآوری سرمایه گذاری را!

۲) وضع زنده گی مردم،

انارشی و رکود اقتصادی همراه با دیکتاتوروی شبکه‌یی سیاسی - نظامی گروه‌های جهادی - مافیایی حاکم، زمینه‌های شیوع فساد را در سراسر نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور فراهم ساخت. مافیای مواد مخدر چنان شریان‌های قدرت و اقتصاد را در دست دارند، که میشود، به جای «نارکو - دولت»، از «نارکو - نظام» سخن گفت. درآمد سالیانه از طریق زرع و قاچاق مواد مخدر بیش از پنج برابر بودجه‌ی سالیانه‌ی دستگاه حکومتیست. پیش گرفتن سیاست اقتصادی لجام گسیخته

پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان که در چوکات پیمان استراتژیک نظامی بین حاکمیت کنونی و امریکا ایجاد خواهند گردید، اگر ممکن از یک سو عرصه را بر تاخت و تازهای نظامی پاکستان و ایران تنگ سازند، از سوی دیگر به حیث نمایه های صریح اشغال و چشمه های مشتعل تنش آفرینی و ارباب در منطقه عمل خواهند کرد. مردم افغانستان باید راه حل دیگری را جستجو کند که هم به برچیده شدن پایگاهها بینجامد و هم مانع دست درازیهای نظامهای ارتجاعی ایران و پاکستان گردد، یعنی باید به اساسگذاری یک دولت ملی که ماهیت واقعاً دموکراتیک داشته باشد، بپردازد.

۴) مبارزه با تروریسم،

تروریسم جزئی از پدیده هایبست که ریشه در عملکرد خشونت امپریالیسم برای تداوم سیطره آن در سطح جهان دارد. بهره برداری از دهشت به منظور توجیه سیاستهای نظامیگرانه، همیشه رکنی از تاکتیکهای استیلاگران بوده است. اعمال طالبی - پاکستانی که به شکل دهشت افکنی تبارز میکنند، جزئی از سیاست پاکستان - امریکا در افغانستان است.

مبارزه واقعی با تروریسم تنها با ابزار نظامی به پیروزی نمی رسد. اگر از یک جانب ضرور است تا با توسل به ابزارهای دفاعی از امنیت و زنده گی مردم کشور دفاع به عمل آید از جانب دیگر بایستی در پی برچیدن ریشه های اصلی تروریسم و رفع دلایلی که باعث تولید و باز تولید آن میگردد، شد.

نهضت آینده افغانستان اعمال تروریستی را در همه اشکال و مظاهر آن - از جمله تروریسم دولتی - که موجب تهدید واقعی برقراری صلح و ثبات در افغانستان و بسیاری کشور های جهان گردیده و زمینه را برای استفاده از نیروی نظامی، تجاوز و اشغال آماده میسازد، صریحاً محکوم مینماید.

اوضاع جهان

در فاصله چهار سال گذشته رویدادهای بزرگی جهان را به لرزه آوردند:

۱- بحران مالی سرمایه داری به یک باره رؤیای آرام جهانی شدن سرمایه را برهم زد. نیولیبرالیسم افسارگسیخته که به حیث نوشداروی تاریخ به خورد خلقهای جهان داده میشد، در ظرف چند روز، خود نیازمند تداوی گردید. صدها میلیون انسان که به وسیله وامهای کلان بانکها چاپیده میشدند، یکباره فنا را در نیرنگ سرمایه مالی تجربه کردند. از کاخ سپید گرفته تا برلین، حکومتها یا به گفته نویسنده سرمایه، «هیتهای اجرائیه سرمایه داران» هزینه های بیت المال را در صندوقهای خالی بانکها سرازیر کردند. این اولین بحران جدی سرمایه داری پس از فروپاشی سوسیالیسم دولتی بود. این بار نتوانستند ساختاری بودن بحران را کتمان کنند. کتاب سرمایه در متروپولهای سرمایه داری بارها تجدید چاپ شد و انتشارات اقتصادی، رجوع به مارکس را برای فهم سرشت سرمایه و بحرانهای دورانی آن، سودمند خواندند.

بحرانهای اقتصادی در یونان، هسپانیه و پرتغال گواهی میدهند که سرمایه داری توان حل معضلات اقتصادی اروپا را ندارد. دول سرمایه داری توانستند با استفاده از داراییهای عامه، سرمایه بیمار را از مرگ نجات بدهند. نیروهای انقلابی در متروپولهای سرمایه آن توان را نداشتند که بتوانند بحران مالی را به بحران سیاسی و ایدیالوژیک مبدل سازند. ولی آنچه آشکار گردید این امر بود که سرمایه داری پایان تاریخ نیست و امکان برچیده شدن آن بر اساس ماهیت بحرانی خودش وجود دارد.

۲- بهار عربی یا انقلابهای سیاسی در کشورهای عربی زبان،

انقلابهای مسالمت آمیز سیاسی در تونس و مصر نی تنها دنیای عرب را از خواب چندین قرنه بیدار کردند بل نوید تازه یی به بشر فقیر و زیر ستم ارزانی داشتند. دیکتاتوریهایی یکی از پی دیگر فرو پاشیدند یا -

ایجاد گردیده اند، ظرفیت عملگری بلندی را در جهت حفظ منافع و اشنگتن خواهند داشت.

۳- منافع استراتژیک اسلام آباد را از طریق شرکت دادن مستقیم طالبان افغانی - پاکستانی به حیث نماینده گان سیاسی - ایدیالوژیک آن در حاکمیت افغانستان، ضمانت نماید؛

۴- نفوذ هند را به حیث ابر قدرت آینده جهانی در افغانستان محدود سازد.

۵- از مصارف گزاف نظامی بکاهد و به ذهنیت عامه کشورهای ناتو و جهان که جداً خواهان خروج قوای ناتو از افغانستان اند، پاسخ مثبت دهد.

همه این اقدامها و طرحها، خارج از اراده و خواست مردم افغانستان راه اندازی میشوند. استقرار نظام دموکراتیک در افغانستان و دفاع از حقوق زنان و کودکان افغانستان که شعارهای اولیه ناتو برای لشکر کشی در افغانستان بودند تا حاکمیت طالبی - القاعده را برچینند، به حیث «بزرگترین تزویر» در تاریخ قرن بیست و یکم باقی خواهد ماند. به احتمال قوی، کنفرانس ماه دسامبر در آلمان، جایگاه حضور یابی طالبان برای راه یافتن به حاکمیت خواهد بود. ضدیت دولت پاکستان با استقرار پایگاههای دائمی امریکا که ظاهراً تناقض آمیز جلوه میکند، در واقعیت امر تلاشیست تا موانع احتمالی از سر راه اسلام آباد برداشته شوند و اردوی پاکستان برای سرکوب حکومتهای احتمالی ضد پاکستان در افغانستان دست باز داشته باشد.

هباهوی نیروهای شمال در رابطه با برگشت طالبان که رنگ ناسیونالیستی و ضد ظلمت را به خود گرفته است، در واقعیت امر هم تلاش در جهت حفظ منافع ایران و روسیه در افغانستان است و هم ریشه در یک آنتی پشتونیزم بدوی دارد. رفقای عزیز،

آشکار است که تدام جنگ و بی امنیتی، بهانه های خوبی اند که حاکمان امروز کابل و حامیان ناتوی آنها برای توجیه وضع اسفبار زنده گی مردم پیش میکنند. آیا حاکمیت جهادی چیزی بهتر از حاکمیت طالبی انجام داده است که بتوان بر اساس آن از یکی در برابر دیگری دفاع کرد؟ جمعیت اسلامی افغانستان چی تفاوت سرشتی با حزب اسلامی افغانستان دارد؟ اما پایان جنگ و استقرار گونه یی از آرامش در کشور، به مردم مصیبت زده ما فرصت تنفس خواهد داد تا وسایل سیاسی را برای متبارز ساختن و به کرسی نشاندن مطالباتش به وجود آورد. چپ افغانی نباید در دام تبلیغات ناسیونالیستی و به ظاهر میهنپرستانه این یا آن گروه وابسته به ایران و روسیه بیفتد و نباید از خط استراتژیک مبارزه اش که تقابل با ارتجاع قرون وسطایی طالبی - جهادی و ارتجاع نوین است، منحرف گردد. در شرایطی که چپ در وضعیت سیاسی حضور ندارد و نمیتواند به حیث الترناتیف مطرح گردد، «معامله گری» فریباترین دامیست که فرار راه جنبش قرار دارد. تجارب ده سال گذشته نشان دادند که معامله گری منافع فردی معامله گران را برآورده می سازد و هیچ گونه رابطه یی با مبارزه و پیکار مرفقی و دموکراتیک ندارد.

نهضت آینده افغانستان به حیث سکاندار چپ افغانی از استقرار صلح در کشور حمایت کرده، مبارزه اش را در برابر ارتجاع ادامه میدهد. تداوم جنگ به سود جنگ سالاران، مافیای مواد مخدر و ثروتمندان جدید است که از این طریق ثروتهای افسانه یی را به دست می آورند و فاجعه را بر خلق افغانستان تداوم می بخشند.

جنبش دموکراتیک وظیفه دارد تا پیامد های تاریخی شرکت طالبان را در حاکمیت به مردمان افغانستان و جهان توضیح دهند و آن را نی به حیث پایان جنگ و کشتار و ترور، بل، به حیث آغاز مرحله دیگری که در آن باید مسایل سرنوشتی مردمان افغانستان از سوی جامعه بین المللی مطرح گردیده راه حلهای دموکراتیک آنها بر حاکمیت کابل تحمیل گردند، تثبیت بدارند.

رفقای عزیز،

با تأسف که سازمان ما از نیم پیکر جامعه، جدا مانده است. جای یک سازمان با اعتبار و مترقی زنان در جنبش خالی است. امروز باید تصمیم جدی اتخاذ کنیم که رفقای زن در جلسات سازمان ما به طور منظم و فعال شرکت کنند. انتقادی که بر سازمان در این زمینه وارد است از اعتبار آن میکاهد.

ایجاد، تحکیم و قانونمندی نهادهای اجتماعی و مسلکی متعلق به زحمتکشان یکی از با اهمیت ترین مسأله برای تقویه و تسریع روندِ پاکبازی جنبش دموکراتیک و ترقیخواه کشور به شمار میرود. در قطار نهادهای اجتماعی زحمتکشان، سازمانهای اتحادیه‌ی (سندیکایی) از اهمیت زیاد برخوردار میباشند. سازمانهای سندیکایی میتوانند زحمتکشان را با همه اختلافهایی که از نظر قومی، سمتی، زبانی، مذهبی، جنسی و عقیده تی دارند، باهم متحد کنند. این سازمانها با مبارزهٔ پیگیر، قانونی، رسمی و مسالمت آمیز خویش، نی تنها قادر به دفاع و حمایت از حقوق مُزدگیران، افزایش دستمزدها، تعمیم سیستمهای عادلانهٔ مترقی مزد و به دست آوردن مزدهای متناسب با تورم، تأمین حق مساوی کار، بهشد شرایط کار، کاهش فقر و بیکاری و در نهایت بهشد و ارتقای سطح زنده گی اجتماعی - اقتصادی کارگران و مُزدگیران میگردند، بل، میتوانند نقش با اهمیت و اساسی را در ایجاد زمینه های تحول سیاسی - اقتصادی و تغییر نظام سیاسی حاکم به سود زحمتکشان و آزادی و رهایی انسان مظلوم از انواع مظالم موجود اجتماعی ایفا نمایند.

با تحلیل تحولات اخیر در کشورهای عربی (تونس، مصر، یمن، اردن، بحرین، لیبیا و . . .) و خیزشهای مردمی علیه نظامهای استبدادی و مداخلهٔ سیاستهای اقتصادی نیولیبرالیزم در کشورهای پیرامونی؛

با اعتقاد به این که رهایی کارگران و مزدگیران از جنبهٔ فقر، بیکاری، ناتوانی، بیعدالتی، ستم و استثمار در دست خود آنان و آن هم از طریق بسیج و تشکل آگاهانهٔ شان در سازمانهای اتحادیه‌ی، مسلکی و رشته‌ی می ممکن میگردد؛

با مشاهدهٔ این که در شرایط کنونی که کارگران و کارمندان کشور هنوز سازمانهای اتحادیه‌ی مستقل، متشکل، مؤثر و سراسری را که بتوانند در وضعیت جاری کشور حضور فعال داشته باشند و مطالبات اساسی آن ها را بیان نموده، از منافع آن ها دفاع و در را احقاق حقوق عادلانهٔ شان پیگیرانه مبارزه نماید و حرکتهای خود انگیختهٔ آنان را که در روند عینی مبارزهٔ روز مره به وجود می آید، سوق و سو بدهد و اتحاد و وحدت آن ها را با نیروهای ترقیخواه و تحول طلب به هدف ایجاد تحولات و تغییرها به سود زحمتکشان تأمین نماید، در اختیار ندارند؛

ایجاد سازمانهای اجتماعی، انجمنها، نهادهای حرفه‌ی و فرهنگی مستقل به ویژه اتحادیه‌های صنفی، مسلکی و رشته‌ی کارگران، کارمندان، معلمان، استادان، کارکنان مؤسسه‌های صحنی، علوم و فرهنگ و خدمات عامه، پیشه‌وران، سازمانهای زنان و جوانان، انجمنهای حقوقدانان، هنرمندان، نویسندگان، پژوهشگران و سایر نهادهای متعلق به زحمتکشان که بخش اساسی جامعهٔ مدنی را احتوا مینمایند و هم چنین تقویه، تحکیم و حمایت سازمانهای اجتماعی مترقی و دموکراتیکی که تاکنون ایجاد گردیده است، در شمار وظایف بنیادی نیروهای عدالتخواه و طرفدار دموکراسی و آزادی قرار دارند.

رفقای عزیز،

کار بزرگ انقلابی در پیش است و با یقین میتوان گفت که سازمان ما به حیث یک نیروی وفادار به امر منافع انسان زحمتکش در سالهای نزدیک به یک کانون بزرگ سیاسی مبدل خواهد شد و با سرفرازی وارد وضعیت سیاسی کشور خواهد گردید. پیروزی نهایی از آن حقیقت است! و ما مبارزهٔ دشوار خود را در خدمت حقیقت با آرامش خاطر و استوار ادامه میدهم.

- زنده باد پیکار برحق نهضت آیندهٔ افغانستان ،
- پیروز باد داعیهٔ خلق زحمتکش ما،
- به پیش در راه ایجاد یک حزب بزرگ مدافع خلقهای افغانستان و جهان!

در حال فروپاشی اند. خلقها نشان دادند که «انقلاب» حادثه‌ی نیست که دیگر به گذشتهٔ بشر تعلق داشته باشد، بل، وسیله بیست که میتوان با آن به ظلم و استبداد نی گفت و جباران را از صحنه تاریخ برون راند. واژهٔ «انقلاب» که در ترمینولوژی ایدالوژی حاکم جهانی مردود قلمداد شده بود و در گفتار ارتجاع نوین افغانی با ماجراجویی مترادف انگاشته میشد یکباره ورد زبانه گردید.

مفهوم «انقلاب» باری دیگر جایگاه مقدس خود را در زبان و اندیشهٔ بشر فقیر یافت. همین اکنون پروسه‌های انقلابی در یمن، سوریه، لیبیا، بحرین، الجزایر، مراکش و دیگر کشورهای عربی به اشکال مختلف و درجه‌های متفاوت ادامه دارد.

۳- انکشاف دموکراسی در امریکای لاتین،

دگرگونیهای قارهٔ افریقا، تشکل دوبارهٔ نیروهای مترقی در کشورهای بلوک شرق و ناتوانی امپریالیزم در حل معضلاتش، گواهی میدهند که بشر در آستانهٔ یک تحول مثبت قرار دارد.

وظایف بعدی ما

رفقای عزیز،

از آنچه آرایه شد چنین بر می آید که سازمان ما در خط مقدم مبارزه برای انکشاف و تحکیم چپ افغانی قرار دارد. اگر سازمان ما نیرومندتر، وسیع تر، دینامیک تر و رزمنده تر نشود، چپ افغانی از وضعیت کنونیش برون نخواهد شد. پس مسألهٔ مرکزی، تقویت نهضت آینده است.

یک پارچه گی عملی و وجود یک انضباط آگاهانه و داوطلبانه از کمیزات یک سازمان راستین دموکراتیک است. پرابلمهای کوچکی که در این سالها با چند عضو سازمان داشتیم، تجربه‌های تلخ ولی آموزنده‌ی هم برای سازمان بودند و هم برای آن رفقا!

انتظار همه چیز را از سازمان داشتن و خود در آن سهم فعال نگرفتن، مریضی ذهنی دوران حاکمیت است. حال برعکس باید همه چیز را از خود انتظار داشته باشیم و به آرامش سازمان بپردازیم. سازمان دیگر واقعاً تحمل خرده گیریهای بجه گانه، انتقادهای پیش پا افتاده و چانه زدنهای خود خواهانه را ندارد. یا صادقانه و بدون چشمداشت کدام موقف، به جز موقف والای یک مبارز سیاسی، خدمتگزار زحمتکشان، به آن پیوسته ایم یا بهتر آن که به کارهای دیگری جز کار سیاسی مشغول شویم.

تعمیق و گسترش دموکراسی درون سازمانی، وظیفهٔ شباروزی هرکدام ماست. در این زمینه نیز، نباید دموکراسی را با هرج و مرج، ابراز نظر آزادانه را با تحمیل دیکتاتورمآبانهٔ یک عقیدهٔ شخصی یکی پنداشت. چند رفیق تا جایی پیش رفتند که گفتند یا نظر ما را بپذیرید یا سازمان را ترک میکنیم. باید برای همیشه با این روحیهٔ شانناژ وداع گفت. آنان رفتند، ولی سازمان هنوز پا برجاست و میرزمد و شاید هم بهتر میرزمد. تاکنون با این نوع رفقا بسیار با نرمش و حوصله مندی برخورد صورت گرفت. اما، رفقای عزیز، اگر واقعاً میخواهیم یک سازمان یک پارچهٔ انقلابی و متشکل از برگزیده گان جنبش را داشته باشیم که وظایف دشوار جنبش چپ را به سر رساند، باید دیگر با چنین روشها برخورد جدی و قاطع داشته باشیم.

در مورد انکشاف سازمان در داخل کشور، باید برنامهٔ مشخصی از سوی هیئت اجراییه‌ی بی که امروز تجدید خواهد شد، تدوین گردیده، به طور دقیق عملی گردد. ظرفیتهای اصلی جنبش چپ دموکراتیک در داخل کشور اند. نسل جوان و بالنده‌ی بی که تلخکامیهای دوران سیادت جهادی - طالبی را چشیده اند، به سوی جنبش دموکراتیک مردمی تمایل دارند.

ادامه سرفقاله از صفحه اول،

فعالیت سازمان در میان روشنفکران مترقی و اقشار زحمتکش را برحسبه ساخته بر اهمیت رشد کمی و کیفی آن تاکید ورزید.

هویداست که مبارزه سیاسی نیروهای چپ و مترقی با کار مستمر روشنگری در میان توده ها و دفاع از حقوق و منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها رابطه عضوی دارد. تا هنگامیکه سیاست چپ و مترقی در جمع توده ها نفوذ نیابد و از حمایت آنها برخوردار نگردد، تلاش میانخالی بیش نیست. بدین منظور کنفرانس نهضت آینده افغانستان به مقصد گسترش هسته های سازمانی در سراسر کشور و تشدید کار سیاسی در بین مردم، از آنانیکه خود را پیرو اندیشه های پیشرو عصر ما، صاحب معنویت انقلابی و مدافع منافع زحمتکش می شمارند ولی از نهضت آینده افغانستان دور مانده اند دعوت نمود تا به نهضت آینده افغانستان بپیوندند.

جنبش عدالت خواهی نیاز طبیعی هر جامعه طبقاتیست، چه بخواهیم چه نخواهیم، این جنبش قوام می یابد و به کمال می رسد. اگر درین روند فعالانه سهم گیریم، به سرعت آن می افزائیم و بدین وسیله رسالت تاریخی خویش را انجام می دهیم.

ادامه اعلامیه از صفحه ۱۶،

- موضوع شرکت دادن طالبان در حاکمیت کشور با تبلیغات وسیعی مطرح گردیده است. حاکمیت پاکستان توانست حفظ منافع استراتژیک آن کشور را در افغانستان به حیث یکی از مطالبات غیر قابل عدول، بر سیاست کاخ سفید تحمیل نماید.
- کمی ۲۰ میلیارد دالر امریکایی در جریان پنج سال گذشته به پاکستان و گذشت در برابر سیاست دو چهره بی اسلام آباد، در چوکات طرحی روی میدهند که زمینه را برای اجرای سیاستهای واشنگتن فراهم میسازد. امریکا و هم پیمانان آن در ناتو بالاخره پی برده اند که حضور گسترده نظامی آنها در افغانستان به سود منافع بلند مدت آنها در منطقه نیست. بر این اساس ناتو در نظر دارد بخش بزرگ قوای خود را از کشور برون کند، پایگاههای نظامی پایدار را در افغانستان جهت کنترل اوضاع سیاسی - نظامی منطقه ایجاد نماید، منافع استراتژیک اسلام آباد را از طریق شرکت دادن مستقیم طالبان در حاکمیت افغانستان، ضمانت نماید، نفوذ هند را به حیث ابر قدرت آینده جهانی در افغانستان محدود سازد، از مصارف گزاف نظامی خود بکاهد و به ذهنیت عامه کشور های ناتو و جهان که جداً خواهان خروج قوای ناتو از افغانستان اند، پاسخ مثبت دهد.
- همه این اقدامات و طرحها، خارج از اراده و خواست مردم افغانستان راه اندازی میشوند. استقرار نظام دموکراتیک در افغانستان و دفاع از حقوق زنان و کودکان افغانستان که شعارهای اولیه ناتو برای لشکر کشی در افغانستان بودند تا حاکمیت طالبی - القاعده را برچینند، به حیث «بزرگترین تزویر» در تاریخ قرن بیست و یکم باقی خواهد ماند.
- تدام جنگ و بی امنیتی، بهانه های خوبی اند که حاکمان امروز کابل و حامیان ناتوی آنها برای توجیه وضع اسفبار زنده گی مردم پیش میکنند. آیا حاکمیت جهادی چیزی بهتر از حاکمیت طالبی انجام داده است که بتوان بر اساس آن از یکی در برابر دیگری دفاع کرد؟ اما پایان جنگ و استقرار گونه بی از آرامش در کشور، به مردم مصیبت زده ما فرصت تنفس خواهد داد تا وسایل سیاسی را برای مبارز ساختن و به کرسی نشاندن مطالباتش به وجود آورد. چپ افغانی نباید در دام تبلیغات ناسیونالیستی و به ظاهر میهنپرستانه این یا آن گروه وابسته به ایران و روسیه بیفتد و نباید از خط استراتژیک مبارزه اش که تقابل با ارتجاع افراطی قرون وسطایی و ارتجاع نوین است، منحرف گردد.
- کنفرانس جمع نیرو های مترقی و دموکراتیک را در یک اتحادیه سیاسی یکی از ضرورت های اساسی برای تشکیل یک الترناتیف دموکراتیک به وضعیت کنونی ارزیابی کرده، سازمانهای مترقی را به این امر مبرم دعوت میکنند.
- کنفرانس انکشاف ساختاری سازمان را با وجود پیشرفتهای قابل ملاحظه هنوز ناکافی ارزیابی کرده روی این نکته تأکید کرد که نیرومندی جنبش مترقی کشور با تحکیم مواضع نهضت آینده افغانستان و گسترش کمی آن پیوند دارد. بر بنیاد تجربه دهه گذشته کنفرانس تأکید کرد که تقویت کمی و کیفی نهضت آینده افغانستان یگانه ضامن پیشروی جنبش مترقی در افغانستان است، لهذا از تمام هواخواهان و رفقای دور مانده از نهضت آینده افغانستان که خود را با اندیشه های جهانی علمی، معنویت انقلابی و آرمانهای زحمتکش افغانستان همپیوند احساس میکنند، دعوت میکند تا به نهضت آینده افغانستان بپیوندند و این کانون پیشتاز و اصیل چپ افغانی را نیرومند تر سازند. به هر اندازه بی که رشد نهضت آینده افغانستان سرعت بگیرد به همان پیمان سنگر دادخواهی قوت گرفته، جایی برای ترقی در وضعیت سیاسی کشور باز میگردد.

ادامه فشرده گزارش کمیته کار... از صفحه ۱۵،

- از تاریخ تصویب اساسنامه تا کنون بیشتر از چهار سال میگذرد و طی این مدت از یک سو تغییراتی در جامعه به میان آمده، هسته های جدید تشکیلاتی در داخل کشور ایجاد و فعالیتهای سازمان گسترش یافته است و از سوی دیگر تقویت فعالیت سازمان و گسترش شبکه های سازمانی در داخل کشور به حیث اساسی ترین وظیفه در برابر سازمان قرار گرفته است، ایجاب مینماید تا با دقت هرچه بیشتر به مندرجات این فصل پرداخته شود.
- تجربه کار و فعالیت سازمانی ما طی ده سال اخیر بیانگر آن است که اصول پایه بی تشکیلاتی سازمان ما که در ماده ششم اساسنامه تسجیل گردیده، تا کنون دموکراتیک ترین اصول سازمانی شمرده میشود و آگاهانه اعضای سازمان ما خود را به آن پایبند میدانند، فعلاً دلایل موجه در مورد تعدیل آن وجود ندارد.
- با آنکه ضرورت برخی تعدیلات را در شکل و شیوه های کار سازمانی نمیتوان نادیده گرفت ولی اساسنامه موجود، آنچنان تدوین گردیده که در صورت تطبیق میتواند رشد و تکامل کیفی و کمی و استحکام سازمان را تضمین نماید.
۱. برخی از وظایف شورای مرکزی و هیئت اجراییه که در اساسنامه موجود تسجیل گردیده، ایجاب بازنگری را مینماید، باید به منظور جلوگیری از تعبیرهای متفاوت و رفع ابهامات، مرز بین وظایف و صلاحیتهای ارگانهای رهبری سازمانها به صورت شفاف تفکیک گردد، ضرور است تا تعدیلات و ایزادهای در این بخش به میان آید،
 ۲. در رابطه به کار با جوانان و زنان فقره های مشخص باید در اساسنامه اضافه گردد.
- به منظور همسان سازی شکل سازمانهای نهضت در داخل و خارج کشور، مفید است که واژه «فدراسیونها» که معرف سازمانهای نهضت در خارج کشور است به «سازمانهای نهضت آینده افغانستان در خارج کشور» تعویض گردد. زیرا مفهوم «فدراسیون» اساساً با وضعیت موجود سازمانها خارج کشور مطابقت ندارد.
- هیئت اجراییه و شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان طرح پیشنهادی کمیته مؤلف را مورد بحث قرار داده با وارد آوردن برخی تغییرات و تکمیلات در طرح مذکور تصمیم اتخاذ نمود تا موضوع به کنفرانس نوبتی نهضت ارایه گردد.
- مسرویم که زمینه فراهم گردید تا طرح پیشنهادی مبنی بر تعدیل اساسنامه نهضت آینده افغانستان را به شما نماینده گان کنفرانس جاری نهضت آینده افغانستان، جهت بحث و تصویب تقدیم میداریم.
- ما معتقدیم که با تعدیلات و ایزادهای جدید در اساسنامه، زنده گی درون سازمانی ما رونق، پویایی و ثبات لازم را کسب خواهد کرد.
- رفقا بنیاید بار دیگر در وجود اساسنامه سازمان مان، اراده های فردی خود را با هم شریک کنیم و از آن اراده نیرومند دسته جمعی سازیم. اراده جمعی چیزی نیست جز تبارز قدرت، اگر یک سازمان سیاسی مردمی دارای تبارز قدرت نباشد ناممکن است نیروها و حرکتهای ضد مردمی را به چالش گیرد.
- پیروز باشید

فشرده گزارش احمد ضیاء صدیقی مسؤول کمیته کار برای تعدیل اساسنامه نهضت آینده افغانستان
به کنفرانس نهضت آینده افغانستان منعقد ۲ جولای ۲۰۱۱

۱- ضرورت تعدیل اساسنامه نهضت آینده افغانستان

به این سازمان می پیوندند و ماهیت فردی خود را با ماهیت سرشتی آن همسو میسازند.

رفقا!

ما قبل از تدویر این کنفرانس، بحثها و مذاکراتی را با اعضای سازمان و هواداران آن، هم آنهايي که با پیگیری، فدا کاری و باورمند بودن به پیروزی انسان زحمتکش، در زیر چتر تشکیلاتی سازمان قرار دارند و همگام با سازمان در حرکت و تلاش اند و هم با آنهايي که از کار فعال سازمانی فاصله گرفته اند، به راه انداختیم، در جریان بررسی و تحلیل نظریه ها و پیشنهادهای رفقا و هواداران سازمان استنباط نمودیم که تعدادی از رفقا، عوامل و دلایل گندی رشد و انکشاف ساختاری سازمان و عدم انسجام و هماهنگی بهتر کار و فعالیت آن را مزید بر علت‌های اندیشه بی - سیاسی، پیچیده گی وضع جنبش، نبود امکانات لازم، وضعیت عینی و ذهنی نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه و دیگر عواملی که در تحلیلها و گزارشهای سازمان ارایه گردیده است قسماً در ناخوانی ساختار تشکیلاتی سازمان با پراتیک عینی آن میدانند، این رفقا استدلال مینمایند که ساختار موجود سازمان با احزاب توتالیتر کلاسیک چندان فرق نمیکند، زیرا چنین ساختار هرمی و دارای سلسله مراتب از بالا به پائین دموکراسی سازمانی را محدود میسازد و مقدس نمودن رهبری، دیوان سالاری، امر و نهی و تحکیم سلطه قدرت (فرمانروایی) را در چار چوب تشکیلات مشروعیت میبخشد.

همچنان دوستان ما میخواهند بدانند که آیا پراتیک سازمان ما در عرصه تشکیلاتی و سازمانی ادامه همان پراتیک «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» است که عمدتاً بنا بر نبود دموکراسی درون حزبی و یا گذاشتن بالای اراده دسته جمعی حزب، آن حزب از هم پاشید و امکان ادامه حیات خود را از دست داد؟

رفقا خود آگاه اند که ما در جریان طرح و تدوین اصول مرامی و اساسنامه سازمان و ارایه بی آن به کنفرانس سراسری جون ۲۰۰۷ نهضت، تمام سعی خود را متمرکز به این مسأله نموده بودیم تا به وجه بهتر از تجارب سازمانها و نهادهای مترقی، جنبشهای کارگری و جنبشهای رهایی بخش ملی کشورهای جهان، در شرایط جدید کنونی برای از سرگیری مبارزه متشکل حزبی طوری استفاده نمائیم که از یک سو با دورنمای تاریخی، اهداف استراتژیکی و اصول مرامی و مواضع سازمان ما مطابق باشد و از سوی دیگر با وضعیت جاری جنبش دموکراتیک جامعه افغانی همخوانی داشته باشد.

رفقا! بر پایه بینش پیشرو عصرما، مراحل تصمیم گیری در درون یک سازمان پیشرو ترقیخواه به سه مرحله بی ساده و مرتبط باهم خلاصه میگردد:

«بحث آزاد، تصمیم گیری توسط اکثریت و تطبیق و عملی نمودن تصمیم اتخاذ شده توسط همه یعنی توسط مجموع از اعضای سازمان»، روح سازنده این بینش با وضاحت در اساسنامه سازمان ما دیده میشود. کنفرانس جون ۲۰۰۷ آنچنان موازین دموکراتیک و اصول تشکیلاتی و مراحل تصمیمگیری درون سازمانی را وضع و تصویب کرد که با اصول بنیادین ساختاری و تشکیلاتی احزاب دموکراتیک و ترقیخواه کاملاً مطابقت دارد.

تصمیمگیری دسته جمعی، گزارش دهی از اجراءات در تمام سطوح، روحیه علنیت، وحدت و همبسته گی و انضباط آگاهانه اصول پایه بی تشکیلاتی سازمان ما را تشکیل میدهند، هیچ کدام از موازین فوق با دموکراسی درون سازمانی در تضاد قرار ندارد. نباید این اصول و موازین را صرفاً مربوط به احزاب کمونیستی و کارگری پنداشت، اغلب احزاب و سازمانهای چپ، مترقی، دموکرات، سوسیال دموکرات و تحول طلب بر بنیاد همین موازین و اصول، حیات درون سازمانی خویش را تنظیم نموده اند. ←

رفقای عزیز، نماینده گان محترم کنفرانس!

اجازه فرمائید تا قبل برآن که بحث را در باره تعدیل یا همسازی اساسنامه نهضت آینده افغانستان با وضعیت عینی جنبش دموکراتیک مترقی کشور و پراتیک سازمانی ما باز نمایم، به صورت مؤجز به چند نکته بپردازم.

یازده سال قبل از امروز ما در آن تیره تاری که هرکس از سایه خویش بیمناک بود، در زیر دشنه های ارتجاع مسلط قرون وسطایی، پرچم سترگ و رهگشای از سرگیری مبارزه دادخواهانه را بر تارک شاهراه جنبش دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی بر افراشتیم، تا پوینده گان راه رهایی و آزادی انسان زحمتکش به مشعل رهنمای مبارزات خویش دست یابند. گرچه تلاش و پیکار دلیرانه و جانفروسی رفقای ما بنا بر عوامل عدیده نتوانست به فوریت جامعه عمل ببوشد ولی با سرفرازی میتوان گفت که امروز همه کسانی که به سنتهای انقلابی جنبش واقعاً دموکراتیک و مترقی عشق می ورزند و به آرمانهای آغازین آن باورمند اند این پرچم داد خواهی را تا پیروزی نهایی نسل به نسل حمل خواهند کرد.

در درازای سالهای بعد از تأسیس نهضت، اعضای سازمان و هواداران آن با افتخار تمام در سنگر مبارزه داد خواهانه ایستادند، از منافع زحمتکششان دفاع کردند و با پیگیری به نوسازی اندیشه بی - سازمانی جنبش دموکراتیک و ترقیخواهانه کشور پرداختند.

بدون شک باید اذعان نمود که ایجاد نهضت آینده افغانستان یک حرکت ضروری، پیشرونده و اصولی بوده و هست، ولی نمیتوانست و نمیتواند این حرکت کاملاً بی عیب و بدون کمبود باشد.

زنده گی، اهداف و مبارزات روزانه و استراتژیکی نهضت آینده افغانستان، از جهان بینی علمی و از بینش های پیشرو عصر ما متأثر است، این سازمان در جهت درک دقیق و به کارگیری درست این بینش، تلاش پیوسته نموده و می نماید و در این راستا از تفکرات اجتماعی، تیوریهای مترقی معاصر و از تجارب و ارزشهای تاریخی جنبشهای جهانی کارگری، جنبشهای آزادیبخش و دموکراتیک کشورهای پیرامونی به ویژه جنبش چپ، دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی بهره گیری خلاق کرده و می کند.

در این سازمان افراد آگاه، فعال و پیشرو جامعه افغانی گرد هم آمده اند تا در دفاع از منافع انسان زحمتکش به مسایل اساسی جامعه افغانی پاسخهای بنیادی ارایه کنند، در راه آزادی و بهروزی انسان زحمتکش کشور تلاش ورزند و در برابر بی عدالتیها و ستمهای عدیده که بر مردم مظلوم ما روا دانسته میشود قد علم کنند.

این سازمان، متشکل از افرادیست که عقاید و اهداف مشترک دارند و برای رسیدن به این اهداف مشترک متعهد اند که با هم همکاری و تشریک مساعی داشته باشند.

اگر به پس منظر حرکت سازمان بنگریم، این سازمان همانند تمام سازمانهای مترقی از یک گروه کوچک آغاز کرد، در جریان انکشاف خود با آن که روندهای انحرافی به منظور تغییر جهت دادن مسیر حرکت آن سر برآوردند و فشار وارد نمودند، اما سازمان بر مبنای منطق آغازین ایجاد خود با طرد عناصر بازدارنده انکشاف سازمانی، به تکامل و استحکام خود ادامه داد.

اکنون اعتبار، وجاهت و نفوذی را که نهضت آینده افغانستان در جنبش مترقی و دموکراتیک جامعه افغانی کسب کرده «سرمایه اجتماعی بیست که رونق جنبش را غنی میسازد». ما معتقدیم که مبارزان باورمند به راه و تفکرات نهضت آینده افغانستان، برغم داشتن سلیقه های متفاوت و منشهای فردی متنوع از طریق مختلف

۲- طرح پیشنهادی تعدیل اساسنامه نهضت آینده افغانستان.

طوریکه نماینده گان محترم کنفرانس آگاه اند، پلینوم نوبتی شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به تاریخ (۲۲ عقرب ۱۳۸۹ مطابق ۱۳ نوامبر ۲۰۱۰)، روندهای سیاسی، وضع جنبش دموکراتیک و مترقی کشور و امور سازمانی نهضت را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و تصمیم اتخاذ نمود تا مسأله تعدیل اساسنامه سازمان در کنفرانس نوبتی جولای ۲۰۱۱ نهضت، مطرح و مورد بحث قرار گیرد.

بتاسی از فیصله پلینوم متذکره، هیئت اجراییه شورای مرکزی ن. آ. ا.، به منظور جمع آوری و بررسی نظریه ها و پیشنهادهای اعضای نهضت و هوا خواهان آن، در رابطه به تعدیل اساسنامه سازمان و آماده ساختن «طرح پیشنهادی تعدیل اساسنامه ن. آ. ا.»، کمیته را در جنب هیئت اجرائیه شورای مرکزی ایجاد و توظیف نمود. کمیته، اعضا و هواداران نهضت را فراخواند تا نظریه ها، پیشنهادهای و طرحهای خویش را در زمینه ارایه فرمایند، بالاتر این فراخوان حدود یکصد پیشنهاد و نظر، به کمیته مواصلت نمود. کمیته با فهم این که تنوع تحلیل، استدلال و داوری رفقا مایه ای انکشاف سازمان است، تمام طرحها، تحلیلها، نظریه ها و پیشنهادهای را که به صورت تحریری، شفاهی، مستقیم و یا غیر مستقیم به کمیته مواصلت نموده بود، با فراخ نظری، مورد مطالعه، تحلیل و بررسی نقادانه قرار داد.

کمیته از بحثها و تبادل نظرهای که در جریان تدارک این کنفرانس در مورد مسایل کار سازمانی، اصول تشکیلاتی و اهداف اساسی مرامی سازمان، با اعضا و هواداران نهضت آینده افغانستان راه افتاده بود دریافت که اصول تشکیلاتی و اهداف مندرج در اساسنامه کنونی با مرامنامه، اهداف ستراتیژیک و دورنمای تاریخی سازمان همسویی و مطابقت دارد و دلایل موجه برای تعدیل آن فعلاً وجود ندارد. اما به منظور تلفیق شیوه های کار فدراسیونهای خارج کشور با سازمانهای داخل کشور، رفع موانع و تسریع روند تشکل نیروهای پیشرو جامعه افغانی به صفوف سازمان، ارتقای سطح کمی و کیفی سازمان و فراهم سازی پیش زمینه های لازم برای تشدید فعالیتهای سازمان در داخل کشور، ضرور است تا تعدیلات در برخی ساختارهای تشکیلات، وظایف و صلاحیتهای ارگانهای رهبری سازمان و سبک کار نهادهای سازمان به عمل آید.

کمیته در روشنی تحلیلها و ارزیابیهای که از کار سازمانی - تشکیلاتی نهادهای این سازمان، از سوی ارگانهای رهبری آن به عمل آمده است و با درک گرایشهای موجود درون سازمانی و وضعیت کنونی جنبش، برخی تعدیلات را در اساسنامه موجود سازمان موجه پنداشته و نظریه ها و پیشنهادهای خویش را به صورت موزج در ارتباط به هر فصل اساسنامه بر طبق ذیل به هیئت اجرائیه و شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان تقدیم نمود:

- ۱- با آنکه مندرجات دیباچه اساسنامه از نظر ماهیت خویش با اهداف و مرامنامه نهضت همخوانی دارد ولی به منظور رفع ابهامات، برداشتهای متفاوت و جلوگیری از سوء تفاهات لازم است تا برخی از اصطلاحات، عبارات و مفاهیم تسجیل یافته در دیباچه اساسنامه، مورد بازنگری قرار گیرد،
- ۲- در فصل اول که شامل مسایلی مربوط به شرایط عضویت، پذیرش، وظایف و حقوق اعضا می باشد به منظور رفع موانع تشکیلاتی، ایجاد سهولت و تسریع روند تشکل، برخی فقره ها قابل تعدیل پنداشته میشود و هم ایجاب ایزاد چند فقره جدید را مینماید،
- ۳- فصل سوم که شامل موضوعات تشکیلاتی سازمان است و مسایل مربوط به اصول تشکیلاتی، ساختار تشکیلاتی، ارگانهای رهبری نهضت، کمیسیون رسیده گی به عرایض و شکایات را در بر میگیرد با در نظر داشت این که

بقیه در صفحه ۱۳

اگر تصور میگردد که دموکراسی درون حزبی در سازمان ما ضعیف است و یا اگر در کار و فعالیت سازمان ما در اجرای وظایف و اتخاذ تصمیم گاه گاهی روحیه جمعی کم رنگ میگردد باید لنگش را در جای دیگری دید و آن را در یافت.

پرسش اساسی که در رابطه به ساختمان سازمان و شیوه فعالیت آن مطرح میگردد این است که: آیا ساختار تشکیلاتی مندرج در اساسنامه جاری سازمان و سبک کار معمول سازمان ما، با وضعیت عینی و پراتیک سازمانی مان همخوانی دارد یا خیر؟ ما همه موافقیم که ساختار تشکیلاتی برخی نهادهای سازمان و عرصه های کار سازمانی - تشکیلاتی نیاز به اصلاح سبک کار و ساختار دارد، ولی اصلاح سبک کار و متحول گردانیدن ساختارها باید از نیازمندیهای واقعی وضعیت جاری سرچشمه بگیرد نه از تمایلات یک یا چند فرد ولو این که این تمایلات خیر خواهانه و دلسوزانه باشد. ضرور و به موقع است تا کنفرانس حاضر، به بررسی و تحلیل دقیق ساختار موجود تشکیلاتی سازمان بپردازد و آن نوع از سازمان یابی، ساختار و اهم تشکیلاتی و سبک کار را برای سازمانهای داخل و خارج کشور تکوین و تصویب بدارد که در شرایط موجود برای هریک از اعضای سازمان امکان گفتگو و نقد سازنده و همچنان اشتراک مستقیم و غیر مستقیم در اتخاذ تصمیم و موضعگیریها و طرح سیاستهای سازمان را داده، زمینه های همفکری بهتر و همراهی واقعی را فراهم نماید و توان و قدرت مبارزه مشترک را در راستای تحقق اهداف مشترک اعضا و اصول مرامی و تشکیلاتی سازمان بیشتر سازد.

نیروی سازمان ما تنها در سبک کار مفید و وحدت اندیشه یی - سیاسی آن نیست بل، در وحدت عمل مجموع اعضای آن نیز است و این وحدت عمل در پرتو سطح عالی تشکل به دست می آید. آمیخته گی فعالیتهای تیوری و پراتیک و تبدیل آن به صورت کار واحد، سازمان ما را قادر میسازد تا تواناییهای خود را در پراتیک به نمایش بگذارد. ما باید به سازمان خود اعتماد کنیم، اعتماد سیاسی را در درون سازمان مستحکم تر سازیم، زمینه های را که این اعتماد را ضعیف میسازد از بین برداریم، هرگاه ما در این مورد تردیدی به خود راه دهیم قادر به انجام هیچ کاری نخواهیم بود. پابندی به اصول سازمانی پایه کار هر عضو این سازمان است، اصول سازمانی نهضت آینده افغانستان، آن اصول کلی است که مقررات اساسنامه یی و موازین تشکیلاتی به آنها متکی است.

بحث آزاد حول مسایل سازمان و همه ارگانهای آن، اصل دموکراسی درون سازمانیست و امریست برای سازمان ما قانونمند. ما را عقیده بر این است که تنها از طریق دموکراسی درون سازمانی است که انضباط آگاهانه و نه میکانیکی تضمین میگردد. ما به چنان سازمانی نیاز داریم که در آن به صورت واقعی ابراز عقیده و نظر آزادانه اعضا تضمین گردد. نظمی که سازمان از اعضای خود میطلبد، تنها میتواند در چهار چوب آزادی واقعی برای بحث و انتقاد، امکان پذیر گردد. باید آزادی انتقاد و مباحثه حول سیاستهای سازمان، بدون هیچ گونه محدودیتی انجام پذیرد تا اعضای سازمان در رابطه به اختلافات نظریه ها و دیدگاه ها، آزادانه تصمیم بگیرند.

نهضت آینده افغانستان به مثابه سازمان دموکراتیک و مترقی افغانستان، بر دو پایه اصلی بنیاد گذاشته شده، یکی اهداف مشترک اعضای آن است که در برنامه یا اصول مرامی و سیاستهای آن متبلور گردیده و دیگر تعهدات رفیقانه، موازین همکاری، قرارها، روابط و ضابطه های اند که در اساسنامه سازمان بیان گردیده و اعضای سازمان خود را مکلف به اجرای آن میدانند. درست خواهد بود که اساسنامه موجود را، اساسنامه تشکل هسته ها و شروع به کار دانست که لازم بود برای تکوین، شکل گیری و تبارز هویت سرشستی این سازمان چنین باشد.

اعلامیه

کنفرانس نهضت آینده افغانستان

۱۱ سرطان ۱۳۹۰ (۲ جولای ۲۰۱۱)

کنفرانس نوبتی نهضت آینده افغانستان به تاریخ ۱۱ سرطان ۱۳۹۰ (۲ جولای ۲۰۱۱) در فضای همبسته گی رفیقانه دایر گردید.

کنفرانس گزارش شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان را که حاوی فعالیت‌های چشمگیر سازمان در جریان چهار سال گذشته بود، مورد تأیید قرار داده، تلاش اعضا و ارگانهای رهبری سازمان را برای تحقق اهداف مقطعی نهضت آینده افغانستان سودمند و سازنده ارزیابی کرد.

کنفرانس وضع کنونی جامعه افغانی و مسایل مربوط به جنبش دموکراتیک و مترقی را به طور همه جانبه مورد تحلیل قرار داده خاطر نشان ساخت:

- انارشی و رکود اقتصادی همراه با دیکتاتوری شبکه یی سیاسی - نظامی گروه‌های جهادی - مافیایی حاکم، زمینه های شیوع فساد را در سراسر نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور فراهم ساخته است. مافیای مواد مخدر چنان شریانهای قدرت و اقتصاد را در دست دارند، که درآمد سالیانه آن از طریق زرع و قاچاق مواد مخدر بیش از پنج برابر بودجه دستگاه حکومتیست. پیش گرفتن سیاست اقتصادی لجامگسیخته زیر عنوان «بازار آزاد»، ایجاد سهولتهای بیسابقه برای سرمایه گذاری خارجی، تخصیص دادن ملیاردها دالر به عنوان بازسازی افغانستان، فعال ساختن بیش از چهارهزار و پنجصد انجو به حیث میکانیزم رفع اصطکاکهای اجتماعی - اقتصادی، تمویل مستقیم قوای مسلح کشور از سوی امریکا و دیگر برنامه ها و اقدامهای هدفمند، نتوانستند حداقل پایه های یک اقتصاد سالم ملی را در کشور پیریزی کنند.

نابرابریهای طبقاتی و فاصله میان فقر و ثروت وسیعتر و زرفتر میشود؛ گرانی، بی سرپناهی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی به گونه روز افزون دامنگیر بخشهای بیشتر مردم و خانواده های زحمتکشان میگردد.

وضع اقتصادی مردم، به ویژه لایه های پایینی جامعه رو به وخامت گذاشته از جمله ۱۲ میلیون جمعیت مستعد به کار بیشتر از ۴۰ در صد آن بیکار اند.

بازسازی کشور از لحاظ اقتصادی از محدوده شعارهای تبلیغاتی فرا نرفته است، مؤسسات و تصدیهای دولتی که به مردم تعلق دارند، به حراج گذاشته شده اند، ملیونها جریب زمین دولتی و ملکیتهای عامه به وسیله زورمندان و مافیای زمین غضب گردیده، دهقانان بیدفاع و مالداران مظلوم از بالای زمینها و علفچرهای شان رانده میشوند، قشر میانه حال دهقانان اکثراً به کارگران زراعتی و موسومی و یا کارگران روزمزد تبدیل میگرددند.

حدود پنج میلیون انسان کشور به قلت موادغذایی رو به رو اند؛ بیشتر از یک میلیون طفل خورده سال و بیشتر از نیم میلیون زن به دلیل سو تغذیه با خطر مرگ مواجه اند .

پیوندهای قومی، قبیله یی، زبانی و سمتی به معیارهای جدی تعلقهای سیاسی مبدل گشته اند. این رویکرد به روابط شجره یی، گواه دیگری از تناقضهای بنیادی در افغانستان است که خود مانع انکشاف متوازن اقتصادی - اجتماعی، پیشرفت، و ترقی می گردد.

- پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان که در چوکات پیمان استراتژیک نظامی بین حاکمیت کنونی و امریکا ایجاد خواهند گردید، اگر ممکن از یک سو عرصه را بر تاخت و تاز های نظامی پاکستان و ایران تنگ سازند، از سوی دیگر به حیث نمایه های صریح اشغال و چشمه های مشتعل تشنج آفرینی و ارباب در منطقه عمل خواهند کرد. مردم افغانستان باید راه حل دیگری را جستجو کند که هم به برجیده شدن پایگاهها بینجامد و هم مانع دست درازیهای نظامهای ارتجاعی ایران و پاکستان گردد، یعنی باید به اساسگذاری یک دولت ملی که ماهیت واقعاً دموکراتیک داشته باشد، بپردازد.

بقیه در صفحه: ۱۳

آینده

د افغانستان د آینده غورځنگ مرکزی اورگان

صاحب امتیاز: نهضت آینده افغانستان

مدیر مسؤول: قدوس زیر

سکرتر مسؤول: عصمت نایخیل

مسؤول شعبه توزیع: قادر یامان

وجه اشتراک سالانه و یا شش شماره: مبلغ ۲۰ یورو

بانک و نمبر حساب:

Name of the Bank:

Credit Mutuel

IBAN (International Bank Account Number):

FR76 1027 8012 2600 0201 0220 151

BIC (Bank Identifier Code): CMCIFR2A

آدرس تماس بامدیر مسؤول:

ayenda-editor@ayenda.org

آدرس تماس با سکرتر مسؤول:

asmat_n@hotmail.com

آدرس سایت انترنیتی نهضت آینده افغانستان:

www.ayenda.org

تحت نظر هیئت تحریر:

مجاور احمد زیار، ببرک ارغند، داود اسعد، قدیر محبوب،

شمس صمدی،